



۲۰ شو

درس ۱: کنش‌های ما

درس ۱: کنش‌های ما

دفعوت کوزه‌گری

این درس، از بنیادی‌ترین مفهومی کتاب، یعنی کنش انسانی صحبت و شروع می‌کند. توی این درس، روی دو تا چیز باید خیلی تمرکز کنید و سعی کنید بعد از تموم شدن درس، واسه خودتون توضیح‌حشون بدید: (۱) ویژگی‌های کنش و (۲) پیامدهای کنش. حالا نکته اینجاست که این درس توی نوبت اول، ۴ نمره داره، پس خوب تمام نکاتش رو بخونید. نوبت دوم چی؟ هم تو نوبت دوم و هم شهریور و دی ماه ۱/۵ نمره ارزش سوال میاد.

کنش ما انسان‌ها چه ویژگی‌هایی دارد؟

کنش و ویژگی‌های اساسی آن

کنش انسانی یعنی چی؟ آیا هر کاری که ما می‌کنیم کنش محسوب می‌شه یا که نه! گردش خورشید اون بالا و دویدن الاغ‌ها چی؟ اونا هم کنشن؟ بیاید ببینیم این مفهوم بنیادی، چه ویژگی‌هایی داره.

مفهوم	تعریف
کنش	در علوم انسانی، به فعالیتی که انسان انجام می‌دهد، «کنش» می‌گویند.
کنشگر	به انجام دهنده کنش (همون انسان)، «کنشگر» می‌گوییم.

• فعالیت اشیاء (گردش خورشید) یا حیوانات (دویدن الاغ‌ها) و فعالیت‌های غیرارادی انسان، (پلک زدن هنگام نزدیک شدن جسمی به چشم) کنش محسوب نمی‌شه. شاید بررسی چرا؟ چون چهار ویژگی اصلی کنش رو ندارن. این چهار ویژگی کنش که باعث می‌شه به تپش قلب و حرکت ابر و ترسیدن از یک صدای بلند بگیم فعالیت ولی به‌مرور خاطرات و کشاورزی کردن بگیم کنش، چه چیزهایی هستن؟ بیاید بررسی کنیم:

۱ آگاهانه بودن

کنش، آگاهانه و وابسته به آگاهی آدمی است. اگر آگاهی انسان وجود نداشته باشد ← کنش انجام نمی‌شود.
یعنی چی که بدون آگاهی کنش رخ نمی‌ده؟ یعنی آگه آگاهی خود را نسبت به معانی کلمات از دست بدهید. از کنش سفن گفتن باز می‌مانید. (یا آگه دستور پخت قرمه‌سبزی رو ندونید (عدم آگاهی) ← قاعدتاً نمی‌تونید اون رو پزیز (رخ ندارن کنش)).

نکته

کنش انسان، همیشه براساس آگاهی‌های صحیح انجام نمی‌شود.

۲ ارادی بودن

کنش ارادی است، یعنی وابسته به اراده آدمی است. اگر تصمیم و خواست انسان وجود نداشته باشد ← کنش انجام نمی‌شود.
مثال: گاهی وقت‌ها به کاری آگاه هستیم ولی تصمیم به انجام آن نمی‌گیریم. بنابراین بدون اراده و خواست انسان، کنش انجام نخواهد شد. (اینکه بلند باشی قرمه‌سبزی درست کنی، دلیل نمیشه که همیشه قرمه‌سبزی درست کنی!)



خواستون باشه

این چیزها کنش محسوب می‌شه	هرکاری که از روی اضطرار یا اکراه انجام شود، همچنان ارادی است. فرار کردن از خطر، نوشتن مشق اجباری یا خوابیدن در هر ساعت از شبانه روز، همگی ارادی‌اند و کنش محسوب می‌شوند.
این چیزها کنش محسوب نمی‌شه	تپش قلب، گردش خون، بسته شدن نافود آگاه چشم و سایر فعالیت‌های غیرارادی، کنش محسوب نمی‌شوند. فیلی وقتاً چون این اعضا مربوط به آدره، فکر می‌کنیم کارای اون‌ها هم کنش، در صورتی که کنش تماماً معطوف به اراده فرد،

۲ هدف‌دار بودن

کنش، هدف‌دار است و انسان فعالیت‌های خود را با قصد و هدف خاصی انجام می‌دهد. بنابراین می‌توان از هر کنشگر پرسید که «چرا چنین کاری کردی؟»

خواستون باشه

انسان‌های مختلف از انجام کنش‌هایشان، هدف‌های مختلفی دارند. (یعنی سه نفر هیرن لب به رودفونه ولی یکی می‌فواد شناخته، یکی می‌فواد ماهی بگیره و یکی می‌فواد از طبیعت لذت ببره.)

نکته

گرچه همه کنش‌ها هدف دارند، ولی ممکن است انسان در کنش خود، به آن هدف نرسد.

۴ معنادار بودن

سه تا ویژگی قبلی، باعث می‌شوند فرد به فرد، به ویژگی بریر به وجود نیاد که کنش انسان رو از سایر مخلوقات متمایز می‌کنه، اونم معنادار بودن کنشه. انسان‌ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می‌دهند و در صورت فهمیدن معنای کنش دیگری، می‌توانند به آن پاسخ مناسب بدهند. بالا بردن دست توی کلاس، معانی متفاوتی داره. مثلاً یکیش اجازه فواستن از معلمه و معلم فقط وقتی می‌تونه به اون پاسخ بده که معنی این کار رو بفهمه. بوق زدن هم همینطور: آکه معنی بوق زدن، عصبانی بودن راننده پشتی باشه و ما اشتباهی فکر کنیم منظورش سلام کردن و می‌براش بوق بزنیم، پاسخ فیلی غیرمناسبی داریم دیگه. نه؟

پرسش و پاسخ

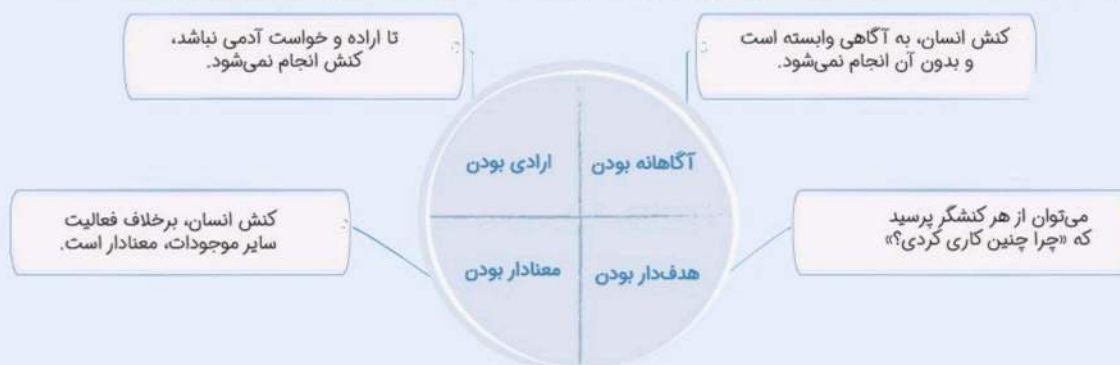
● پرسش: کدام ویژگی کنش انسان، آن را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند؟

● پاسخ: معنادار بودن



جمع‌بندی

هر فعالیتی کنش نیست؛ بلکه فقط فعالیت‌های انسانی که چهار ویژگی خاص را دارند، کنش نامیده می‌شوند. این چهار ویژگی عبارت‌اند از:





پیامدهای کنش انسان

هر کنشی که انجام می‌شود، به سری آثار و پیامدها داره، مثلاً باز کردن پنجره (کنش) باعث عوض شدن هوا (پیامد طبیعی) می‌شه یا مسافره کردن هم‌کلاسیت (کنش) ممکنه باعث دعوا (پیامد ارادی وابسته به دیگران) بشه!

پیامدهای کنش انسان‌ها را می‌توان در دو دسته قرارداد:

پیامدهای ارادی — به اراده افراد انسانی (یعنی خود کنشگر یا افراد دیگر) وابسته هستند.

پیامدهای غیرارادی — به اراده افراد انسانی وابسته نیستند و پیامد طبیعی کنش می‌باشند.

پیامدهای کنش

حواستون باشه

پیامد کنش چه به اراده خود کنشگر وابسته باشه، چه به اراده کنشگر دیگه‌ای، پیامد ارادی محسوب می‌شود.

• ویژگی‌ها و تفاوت پیامدهای کنش رو توی جدول زیر به فوی یار بگیرید:

پیامدهای ارادی	پیامدهای غیرارادی (پیامدهای طبیعی)
به اراده انسان‌ها وابسته هستند.	به اراده انسان‌ها وابسته نیستند.
احتمالی هستند. (ممکنه رخ بدن ممکنه رخ نندن)	قطعی هستند (حتماً رخ می‌دن)
خودشون، کنش هستند و کنشگری باید اون‌ها را انجام بده	کنش نیستن بلکه نتیجه طبیعی کنش هستن.

• حالا که ویژگی‌ها رو بررسی کردیم، بیاید با به مثال این موضوع رو بازتر کنیم: زتادرس

درس خواندن (کنش) ← پاسخ دادن به سؤالات امتحان (پیامد ارادی کنش، که خود یه کنش محسوب می‌شود)

پاسخ دادن به سؤالات امتحان ← نمره دادن معلم (پیامد ارادی کنش است که وابسته به اراده دیگری است)

فرامتن

اینجا، می‌تونید پیامدهای ارادی کنش رو ببینید.

✓ می‌بینید که منظور پیامد کنش اول، خودش یه کنش محسوب می‌شه و پیامدهایی داره؟

یعنی شما وقتی درس می‌فونید، (یک کنش انجام می‌دید) پیامد ارادیش اینه که می‌تونید به سؤالات امتحان پاسخ بدید (که خود این کار یک کنش).

✓ پیامد ارادی اول (پاسخ دارن به سؤالات) به کنش خود فرد وابسته‌ست و پیامد ارادی دوم به کنش فرد دیگه (نمره دارن معلم): ولی گفتشون پیامد ارادی محسوب می‌شن.

پندتا مثال از پیامدهای غیرارادی کنش:

اینجا دو تا مثال از پیامدهای غیرارادی رو می‌بینید که رفتارهایی قطعی و طبیعی‌ان و به اراده انسانی ربطی ندارن. یعنی وقتی کنش (مثلاً سیگار کشیدن) رخ بده، دندون‌های فرد سیگاری زرد میشه و به اراده‌ها یا دیگران بستگی نداره.

بازکردن پنجره اتاق (کنش) ← تغییر هوای اتاق (پیامد غیرارادی کنش یا نتیجه طبیعی کنش)

سیگار کشیدن (کنش) ← زرد شدن دندان‌ها (پیامد غیرارادی کنش یا نتیجه طبیعی کنش)

جمع‌بندی

وقتی ما کنشی را انجام می‌دهیم، آن کنش پیامدهایی دارد که:

۱ یا نتیجه طبیعی آن کنش هستند ← اتفاق افتادن آن، قطعی بوده و وابسته به اراده افراد نیست.

۲ یا وابسته به خود فرد یا افراد دیگر هستند ← اتفاق افتادن آن، احتمالی است (ممکن است پیامد، رخ بدهد و یا رخ ندهد).



در بسیاری از موارد، آدمیان کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آن انجام می‌دهند و از انجام برخی کنش‌ها به دلیل پیامدهای نامطلوبشان خودداری می‌کنند.

تمرین

• جدول زیر را کامل کنید:

پیامدهای غیر ارادی	پیامدهای ارادی		کنش
	وابسته به اراده دیگری	وابسته به اراده کنشگر	
تندرستی	مورد تشویق قرار گرفتن	ورزشکار حرفه‌ای شدن	ورزش کردن
آسیب و بیماری	مورد نکوهش قرار گرفتن	ترک سیگار یا معتاد شدن به آن	سیگار کشیدن
..... (ج)	 (ت)	 (الف)	رعایت حیا
..... (ح)	 (ث)	 (ب)	کنترل خشم
..... (خ)	 (ج)	 (پ)	وضو گرفتن

پاسخ اول پیامدهای ارادی وابسته به خود کنشگر رو برای هر کدوم مشخص می‌کنیم. توی اینجا دنبال جواب‌هایی می‌گردیم که هم ارادی هستند (یعنی احتمالی هستند و خودشون کنش محسوب می‌شن) و هم به اراده خود کنشگر وابسته هستند.

الف) دوری از گناه، عدم حضور در برخی اماکن، قطع ارتباط با برخی افراد

ب) جلوگیری از دعوا و زد و خورد

پ) نماز خواندن

↑ تمام کارهای بالا، خود کنش و وابسته به اراده کنشگر هستند.

حالا پیامدهای ارادی‌ای که به اراده دیگران وابسته هستند را بررسی می‌کنیم:

ت) نزدیک شدن برخی افراد به انسان، مورد احترام قرار گرفتن، رفع سوء ظن دیگران

ث) برخورد بهتر دیگران با ما، افزایش اعتماد اجتماعی به ما

ج) تحت تأثیر قرار گرفتن دیگران و پیروی از ما

حالا به سراغ پیامدهایی می‌رویم که قطعاً و طبیعتاً رخ می‌دهند و وابسته به اراده انسانی نیستند. راه تشخیص این پیامدها این است که ما انسان‌ها، چه بخواهیم چه نخواهیم، بعد انجام کنش اصلی این نتایج به وجود می‌آید:

ج) رسیدن به آرامش نسبی، کاهش عوامل بیرونی تحریک

ح) کاهش ضربان قلب، رسیدن به آرامش خاطر، ریلکس شدن

خ) پاکیزگی و تنزه، تقرب الهی

نوستراداموس شوا

پنج تا از نکته‌هایی که فکر می‌کنی ممکنه از این درس تو امتحان نهایی بیاد رو اینجا بنویس تا به وقتش ببینی پیش‌بینی درسته از آپ درمیا یا نه؟!



درس ۲: پدیده‌های اجتماعی

دفوت کوزه‌گری

توی درس دوم، مفاهیم کنش اجتماعی و چگونگی تشکیل پدیده‌های اجتماعی رو بررسی می‌کنیم. در آخر هم راجع به پیامدهای پدیده ازدواج و سالمندی جمعیت صحبت می‌کنیم. توی این درس، بیشتر از همه، روی چگونگی شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی، مفهوم هنجار و ارزش‌های اجتماعی، سالمندی جمعیت و آمارهای مهم جمعیتی تمرکز کنید. ارزش بارمی این درس تو نوبت اول ۴ نمره و تو نوبت دوم و شهریور، ۱/۵ نمره هست! پس می‌ارزه براش وقت بذارید و مطالبش رو با دقت بخونید.

انواع کنش

کنش‌های انسان رو می‌شه از جهت اینکه در انجام اون کنش، به انسان‌های دیگه هم توجه شده یا نه، به دو دسته **فردی** یا **اجتماعی** بخش‌بندی کرد:



کنش اجتماعی

تعریف: نوعی کنش که با توجه به دیگران انجام می‌شود.
در کنش اجتماعی، آگاهی و اراده کنشگر، ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آن‌ها است. زنادرس در واقع هر کنشی که توی انجام اون، به دیگران توجه داریم و هواسمون به بقیه و فواسته‌ها و ویژگی‌هاشون هست، کنش اجتماعی محسوب می‌شه.
صرف زدن، توهین کردن، برای کسی دعا کردن، بازیافت کردن زباله و حتی لباس پوشیدن، همه کنش‌هایی هستن که با توجه به بقیه انجام شدن و کنش اجتماعی محسوب می‌شن.

نکته

توجه به دیگران: همان‌طور که گفتیم، ما در کنش اجتماعی به دیگران توجه می‌کنیم، ولی منظور از دیگران چه کسانی هستند؟ گذشتگان، آیندگان، مؤمنان و کافران، غریبه و آشنا و ...

• اگرچه انواع کنش‌ها (فردی و اجتماعی - در ارتباط با طبیعت / ماورای طبیعت - کنش در ارتباط با خودمان) از یک‌دیگر اثر می‌پذیرند و متناسب می‌شوند ولی هویت هیچکدام از دست نمی‌رود.



شکل گیری پدیده های اجتماعی

منظور از پدیده های اجتماعی چیست؟ منظور به وجود آمدن؟ یعنی چی که «برای ما فرصت و محدودیت ایجاد می کنند؟» آیا مدرسه به پدیده اجتماعی است؟ گریه ها و خنده ها؟

تعریف	پدیده های اجتماعی
هدف پدیده های اجتماعی چیست؟	کنش اجتماعی و پیامدهای آن انسان ها، پدیده های اجتماعی را برای رفع نیازها و تأمین سعادت خود پدید می آورند. نکته: گاهی خود این پدیده ها اصل قرار می گیرند و به جای خدمت به سعادت بشر، انسان ها را به خدمت می گیرند.
خردترین پدیده اجتماعی چیست؟	کنش اجتماعی خردترین پدیده اجتماعی است. مثلاً سلام کردن، خندیدن به حرف کسی، دعوا کردن و ... همگی پدیده های اجتماعی هستند. (چون کنش اجتماعی هستن ریگه) سایر پدیده های اجتماعی، همگی آثار و پیامدهای کنش اجتماعی می باشند.
نمونه هایی از پدیده اجتماعی	بانک، مسجد، پلیس، مدرسه، خانواده، نمادها، هنجارها، ارزش های اجتماعی، لباس محلی، زبان

درسنامه

نکته

پس متأسفانه گریه ها جزء پدیده های اجتماعی نیستند! همینطور کوه ها و درخت ها و هر چیزی که طبیعی و نتیجه کنش اجتماعی انسان نیست.

هنجارها و ارزش های اجتماعی

هنجارها و ارزش ها، پدیده هایی اجتماعی هستند که ویژگی های خاص خود را دارند:

هنجارهای اجتماعی	ارزش های اجتماعی
چی هستن؟	شیوه انجام کنش اجتماعی که مورد قبول جامعه قرار گرفته است.
از چه جنسی هستن؟	از جنس وسیله و روش رسیدن به ارزش ها
مثلاً؟	شیوه احوال پرستی، نوع و حدود پوشش و ... آزادی، عدالت، نظم، حجاب و ...

• به شرایط زیر توجه کنید تا چگونگی به وجود آمدن هنجارها و ارزش های اجتماعی را درک کنید. فردی را تصور کنید که:

- در تنهایی و با صدای بلند در حال مطالعه می باشد. (کنش فردی)
 - هالا اگر فرد دیگری وارد اتاق شود، کنش او تبدیل به **کنش اجتماعی** می شود (چون که باید هواسش به طرف مقابل هم باشه و رفتارشو با توجه به اون فرد تغییر بده، یعنی آروم تر باشه).
 - حالا پای ارزش ها و هنجارهای اجتماعی به میان می آید. او برای رعایت حقوق دیگری (تحقق یک ارزش) باید در حضور دیگران، آرام مطالعه کند (پیدایش یک هنجار).
- به این صورت، کنش اجتماعی منجر به پیدایش هنجارهای اجتماعی و تحقق ارزش های اجتماعی می شود که در نمودار زیر می بینید:



• بعد از تحقق ارزش ها چه اتفاقی می افتد؟

- ارزش ها و هنجارهای اجتماعی از طریق کنش های اجتماعی تحقق می یابند.
- سپس پدیده های «جامعه پذیری» و «کنترل اجتماعی» را ضروری می سازند.
- تا از طریق تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه؛ ارزش ها و هنجارها را به افراد منتقل کنند.



حواستون باشه

اگر کنش اجتماعی نباشد ← هیچ هنجاری شکل نمی گیرد ← در نتیجه ← هیچ یک از ارزش های اجتماعی محقق نمی شوند.



پرسش و پاسخ

- پرسش آیا پدیده‌های اجتماعی معنادار هستند؟
● پاسخ از آنجا که افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می‌کنند و پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها در ارتباط با یک‌دیگر به وجود می‌آورند، پدیده‌های اجتماعی معنادار هستند.

جمع‌بندی

یه سری مفهوم قبلی مهم هستن که باید یادت بمونه، پس به زبون ساده برات توضیح می‌دم:

کنش اجتماعی	- کنشی که ما با توجه به دیگران و ویژگی اون‌ها انجام می‌دیم. - یعنی به علت وجود دیگران و قضایای شون، کنش ما شکل می‌گیره یا تغییر می‌کنه. مثلاً صحبت کردن. - کنش اجتماعی، هم خودش یک پدیده اجتماعی، هم علت و پایه همه پدیده‌های اجتماعی محسوب می‌شه.
پدیده اجتماعی	کنش اجتماعی و پیامدهای اون می‌شن پدیده اجتماعی، مثل دانشگاه، خانواده، مسجد و ...
ارزش اجتماعی	پدیده اجتماعی فواستنی و مثبت بین افراد و جامعه است که اعتقادی جامعه می‌فان بهش برسن، مثلاً عدالت، آزادی، راستگویی و ...
هنجار اجتماعی	- روش پذیرفته شده برای انجام یک کنش اجتماعی، یعنی اعتقادی یک جامعه بطور کنش اجتماعی (مثل لباس پوشیدن، سلام کردن یا چگونه رقصیدن) رو انجام می‌دن. - برای رسیدن به ارزش، باید از هنجارها پیروی کرد.
جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی	عقاید، ارزش‌ها و هنجارها از طریق «جامعه‌پذیری» و «کنترل اجتماعی» به افراد منتقل می‌شن.

استقلال پدیده‌های اجتماعی

پدیده‌های اجتماعی به‌مرور از انسان‌ها مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را به وجود می‌آورند. این روند استقلال یافتن، تا جایی ادامه پیدا می‌کند که انسان‌ها احساس می‌کنند که «پدیده‌های اجتماعی» همانند «پدیده‌های طبیعی» هستند.

نکته

نباید این اشتباه را ما هم تکرار کنیم، چون پدیده‌های اجتماعی نتیجه کنش انسان‌ها هستند ولی پدیده‌های طبیعی را انسان‌ها خلق نمی‌کنند.

ادامه پیدا کردن جهان اجتماعی و پیامدهای ازدواج

جوامع کوچک و بزرگ، همگی به دلیل اعتقاد و مشارکت اجتماعی اون‌ها به وجود میان و دوام دارن. در این بخش می‌فواهم تاثیر جمعیت، ازدواج و تشکیل خانواده را بر جامعه بررسی کنیم.

ازدواج و تشکیل خانواده، یکی از زمینه‌های پیوند میان انسان‌ها و گذر از «من» به «ما» است.

منظور از گذر از من به ما، تشکیل جامعه‌ست.

ازدواج، تشکیل خانواده و تصمیم هر خانواده برای داشتن فرزند، از کنش‌هایی هستند که تأثیرات و پیامدهای اجتماعی زیاد و مهمی دارند، مثلاً تأثیری بر روی سبک زندگی خود و دیگران. برای مثال، تأثیر تشکیل خانواده بر روی فرزندان را بررسی می‌کنیم:

نوع خانواده	تأثیر بر روی فرزند
خانواده تک فرزند	- ارتباط محدود با پدر و مادر و فرزند و عدم ارتباط با هم‌سن و سال‌ها و هم‌نسلان - انتظار بالای والدین از فرزند و حمایت و پشتیبانی زیاد - متوقع، سخت‌گیر یا زودرنج شدن کودک
خانواده چند فرزند	- از تمرکز افراطی والدین بر فرزندان کاسته می‌شود و با درک تفاوت‌های کودکان خود، انتظارات والدین تنظیم می‌شود. - فرزندان در تعامل با یک‌دیگر، ارتباط گرفتن با دیگران، تقسیم کار و همکاری در انجام کارها را بهتر یاد می‌گیرند.



نکته

گرایش افراد و خانواده‌ها به فرزندآوری، از نظر کمی و کیفی در هر جامعه مهم است؛ زیرا:

- با بروز نقص و کاهش افراد گروه‌ها $\leftarrow$ زندگی و دوام آن‌ها با تهدید روبه‌رو می‌گردد.
- با افزایش تعداد جمعیت یک گروه $\leftarrow$ امکان تأثیرگذاری آن بر سایرین افزایش می‌یابد.

• با توجه به ارتباط تنگاتنگ ازدواج، فرزندآوری، جمعیت و تداوم جهان اجتماعی، به بررسی وضعیت جمعیتی ایران می‌پردازیم:
جمعیت کشور ایران به‌سوی سالمندی می‌رود. یک کشور پیر، کشوری است که جمعیت بالای ۶۵ سال آن، بالای ۱۰٪ جمعیت باشد.
طبق پیش‌بینی‌های بین‌المللی دربارهٔ کشور ایران تا سال ۱۴۳۰:

۱ جمعیت ایران به حدود ۱۰۱ میلیون می‌رسد.

۲ ساختار سنی جمعیت، از یک ساختار کاملاً جوان به یک ساختار سال‌خورده تبدیل خواهد شد $\leftarrow$ سهم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر، به ۲۲ درصد می‌رسد.
(بیشترین سهم در هرم سنی جمعیت)

پرسش و پاسخ

• پرسش مسن شدن جمعیت، چه تبعات و مشکلاتی را به همراه دارد؟

پاسخ ۱ افزایش هزینه‌ها (عمدتاً شامل هزینه‌های بهداشت و درمان) ۲ کمبود نیروی جوان در کشور برای ارائه خدمات و رفع نیازهای سالمندان ۳ در سطح فردی، فرزندان خانواده‌های تک‌فرزند، ناچارند به تنهایی تعهدات فرزنددی، حمایت عاطفی و رسیدگی به مسائل والدین خود را انجام دهند.

فرامتن

معنی احتیاط! سه تا مفهوم در بفوانیم و بدانیم اومده که مهمه و ممکنه در موردش سؤال بیاور و بر نیست که بررسیشون کنیم:
میزان رشد طبیعی جمعیت: از افتلاخ، دو عامل «تعداد تولد» و «تعداد مرگ‌ومیر» به دست می‌آید و میزان تغییرات جمعیتی هر کشور را نشان می‌دهد.
بالا تر بودن نسبت تولد به مرگ و میر $\leftarrow$ رشد طبیعی مثبت
بالا تر بودن نسبت مرگ و میر به تولد $\leftarrow$ رشد طبیعی منفی
کشورهای صنعتی، به علت عدم گرایش فائزاده‌ها به فرزندآوری، رشد منفی جمعیت را تجربه می‌کنند.
نرخ جایگزینی: به این معنی است که هر زن در طول عمر خود چه تعداد فرزند به دنیا می‌آورد.



نکته

برای مختل نشدن روند طبیعی جمعیت، نرخ جایگزینی باید عدد ۲/۱ تا ۲/۲ باشد.

شاخص سالمندی

بالا رفتن این شاخص، از افزایش نسبت سالمندان (افراد بین ۶۰ تا ۶۵) به کودکان (افراد بین ۰ تا ۱۴ ساله) خبر می‌دهد.
عدم پذیرش مسئولیت والدگری و محدود شدن بُعد خانواده به خانواده بی‌فرزند یا تک فرزند توسط اکثر افراد جامعه، پدیدهٔ «سالمندی جمعیت» به‌وجود می‌آید.
یک جوان اجتماعی، فقط با بودن اعفناشه که زندهست و اگر جمعیت آسیب ببینه، جوان اجتماعی تولید می‌شه. اگر کاری نکنیم، تا ۱۴۳۰ ایران یک کشور پیر میشه و مسن شدن جمعیت، باعث افزایش هزینه‌های درمان، کمبود نیروی جوان و بالا رفتن تعهدات فرزندان می‌شه.

نوستر ادموس شو

پنج تا از نکته‌هایی که فکر می‌کنی ممکنه از این درس تو امتحان نهایی بیاد رو اینجا بنویس تا به وقتش ببینی پیش‌بینی درست از آب درمیاد یا نه؟



درس ۳: جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی)

فوت کوزه‌گری

توی درس سه، به صورت کلی راجع به معنای جامعه، فرهنگ و خرده فرهنگ‌ها صحبت شده و شما باید بتوانید تفاوتشون رو یاد بگیرید. یادگیری مفهوم فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی، نیازمند اینه که به خوبی این موضوع رو بفهمید و بتوانید براش مثال بزنید. همچنین فرهنگ‌های معنوی و دنیوی، هرکدوم ویژگی‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارن که حائز اهمیتیه. از درس ۳ هم مثل دو درس قبلی تو نوبت اول ۴ نمره و تو نوبت دوم، شهریور و دی ۱/۵ نمره میاد. از چه مباحثی؟ تو متن درسی براتون مشخص کردیم و توضیح دادیم.

جهان اجتماعی

می‌توان گفت که جهان اجتماعی از دو تا مفهوم تشکیل می‌شود، «جامعه و فرهنگ». این دو مفهوم این گونه متمایز می‌شوند: زتادرس

جهان اجتماعی	
جامعه	تعریف: گروهی از انسان‌ها که برای سالیان متمادی با یک‌دیگر زندگی می‌کنند. - جامعه را می‌توان به منزله سخت افزار جهان اجتماعی در نظر گرفت. (همانند جسم و کالبد انسان) - جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد.
فرهنگ	تعریف: شیوه زندگی گروهی از انسان‌ها است که با یک‌دیگر زندگی می‌کنند. (شیوه زندگی جامعه) - فرهنگ را می‌توان به منزله نرم افزار جهان اجتماعی در نظر گرفت. (همانند جان و روح انسان) - فرهنگ بدون جامعه پدید نمی‌آید. - مصادیق فرهنگ: نوع خوراکی‌ها، باورهای اخلاقی، آداب ازدواج و عزاداری، گویش‌ها و پوشش‌ها و ... - اینکه افراد جامعه چه چیزی می‌پوشن یا طوری اوقات فراغتشان رو می‌گذرونن یا چه نگرشی به جهان هستی دارن، مربوط به فرهنگ اون جهان اجتماعیه. مثلاً لباس محلی قبایل آفریقا با لباس‌های ایرانی متفاوت یا عقاید یک آمریکایی با عقاید یک روس متفاوت: چرا؟ چون فرهنگشون متفاوت.
چند نکته راجع به فرهنگ	- فرهنگ را آگاهی و شناخت مشترک نیز می‌نامند. - فرهنگ آموختنی است و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ در نتیجه ← جوامع مختلف، شیوه‌های متفاوتی برای زندگی دارند.

لایه‌های جهان اجتماعی به صورت جداگانه

فهمیدیم که جامعه، همون اعضای جهان اجتماعیه و فرهنگ، شیوه زندگی اون آدم‌ها؛ ولی فرهنگ از لایه‌های مختلفی تشکیل شده که بعضیا اهمیت بیشتر و بعضیا اهمیت کمتری دارن:

لایه‌های سطحی و بیرونی جهان اجتماعی	لایه‌های عمیق و بنیادین جهان اجتماعی
به آسانی تغییر می‌کنند.	به آسانی تغییر نمی‌کنند.
تأثیرات محدودتری دارند.	تأثیرات تعیین‌کننده، همه‌جانبه و فراگیر دارند.
با حذف آن‌ها جهان اجتماعی تداوم می‌یابد.	تغییرات اساسی در لایه‌های عمیق فرهنگ آن را به فرهنگ دیگری تبدیل می‌کند.
مانند: نمادها و هنجارها	مانند: ارزش‌ها و عقاید



فرهنگ عمومی و خرده فرهنگ‌ها

همین‌طور که توی جوامع مختلف، فرهنگ‌های متفاوتی وجود داره؛ توی جوامع، شیوه زندگی مردم برای همه مناطق یکسان نیست.

فرهنگ عمومی

آن بخش از فرهنگ که همه اعضای یک جهان اجتماعی در آن اشتراک دارند.
مثال: دفاع از حق و حقیقت، ارج نهادن راستگویی



خرده فرهنگ‌ها

بخش‌هایی از فرهنگ که مربوط به یک قوم، قشر یا گروه خاص است.
مثال: فرهنگ یزدی‌ها، فرهنگ بنایان، فرهنگ کردها

• خرده فرهنگ‌ها به دو گروه اساسی تقسیم می‌شوند:

خرده فرهنگ‌ها

خرده فرهنگ‌های موافق

خرده فرهنگ‌های سازگار با فرهنگ عمومی

اغلب خرده فرهنگ‌های درون یک فرهنگ عمومی، با فرهنگ عمومی سازگارند.

خرده فرهنگ‌های مخالف (ضد فرهنگ)

خرده فرهنگ‌هایی که عقاید، ارزش‌ها و هنجارهایشان با فرهنگ عمومی ناسازگار و مخالف است.

مثال

خرده فرهنگ تبهکاران و خرده فرهنگ تکدی‌گران

نکته

فرهنگ از طریق وراثت (ژن‌ها) از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود. هرگاه یک شخص نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی فرو می‌ریزد یا به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

جمع‌بندی

تا اینجا مفهوم جامعه و فرهنگ رو زیاده شنیدیم و به کار بردیم و اونا رو از هم متمایز کردیم و فهمیدیم که جامعه، گروهی از آدم‌هایی هستند که برای مدت طولانی با هم زندگی کردن (مثلاً آدمای توی فلات ایران که هزاران ساله باهم زندگی می‌کنن) و فرهنگ، یعنی شیوه زندگی اون‌ها.

خب حالا همیشه فرهنگ رو به دو نوع هم تقسیم کرد:

• **فرهنگ عمومی** (قسمتی از فرهنگ که همه جامعه قبول دارن)

• **خرده فرهنگ** (قسمتی که مربوط به یه بخشی از جامعه است و معمولاً گاهی موافق و گاهی مخالف فرهنگ عمومی و گاهی باهاش در تضاده.)

اینو هم به ذهنتون بسپارید که فرهنگ مثل پیازه. چرا؟ چون لایه‌لایه‌س:



الزامات جهان اجتماعی پس از پیدایش

گرچه جهان اجتماعی با آگاهی و اراده انسان‌ها به وجود می‌آید، ولی بعد از پیدایش، پیامدها و الزاماتی به وجود می‌آورد و فرصت‌ها و محدودیت‌های جدیدی را پیش روی ما می‌گذارد.

پرسش و پاسخ

• **پرسش** جمله‌ای از جامعه‌شناس معروف (آگوست کنت) هست که میگه: «سهم مردگان در ساختن جامعه، بیش از سهم زندگان است.»

این دیگه یعنی چی؟ مردگان چگونه جهان اجتماعی رو می‌سازن وقتی دیگه زنده نیستن؟

• **پاسخ** یعنی سهم پیشینیانمون توی ساختن جامعه، بیشتر از ما بوده. ما توی جامعه‌ای چشم به جهان باز می‌کنیم که توسط گذشتگانمون پرید اومده.

• گرچه باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای جامعه از قبل شکل گرفته‌اند و به فعالیت‌های اجتماعی ما شکل می‌دهند، ولی ما در برابر فرهنگ منتقل‌شده،

کنشگری منفعل و مجبور نیستیم؛ بلکه می‌توانیم: در جهت تداوم یا پیشرفت آن عمل کنیم. / در مسیر تغییر و ایجاد جهان اجتماعی جدید حرکت کنیم. / تا زمانی که هر جامعه و فرهنگی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجا است، الزامات آن نیز باقی می‌ماند:



• با تغییر جامعه و فرهنگ و الزاماتش، جهان اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد که الزام‌ها و پیامدهای دیگری را به همراه خواهد داشت



فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی

مفهوم فرصت‌ها و محدودیت‌های اجتماعی خیلی بحث مهمیه. به دور و برتون نگاه کنید، به واقعیت‌های اطرافتون. دیوارهایی رو می‌بینید که شما رو محدود کردن و براتون هر روز گزاشتن اما در واقعیت الزامی و مفیدرن. چون برای مثال فرصت‌هایی مثل فریم شفاهی رو برای ما به وجود آوردن. الزامات اجتماعی هم مانند دیوارها هستن، محدودکننده ولی پر از فرصت. الزام‌ها و پیامدهای هر جهان اجتماعی، به صورت فرصت‌ها و محدودیت‌ها ظاهر می‌شن.

فرصت‌ها و محدودیت‌ها

فرصت‌ها و محدودیت‌ها، کنش‌های ما را امکان پذیر می‌سازند ← از این طریق زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یک‌دیگر وابسته‌اند و هیچ کدام بدون دیگری ممکن و محقق نمی‌شوند. (فرصت‌ها و محدودیت‌ها مانند دو روی یک سکه‌اند، وجود یکی مستلزم وجود دیگری است.) مثال: قوانین راهنمایی و رانندگی، محدودیت‌هایی برای ما به وجود می‌آورند، ولی همین محدودیت‌ها، فرصت «رفت و آمد ایمن» را محقق می‌کنند.

تأثیر الزامات جهان‌های مختلف بر اعضای جامعه

جهان‌های اجتماعی مختلف، بر اساس عقاید و ارزش‌هاشون، ممکنه برخی از ابعاد انسان رو تأثیر بگیرن و همین موضوع ممکنه باعث عدم فرصت شکوفایی فطرت انسان بشه. در همین مورد دو نوع جامعه رو می‌شه مثال زد:

این جوامع براساس عقاید و ارزش‌هایشان، استعدادهای معنوی انسان را نادیده می‌گیرند یا فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند.

جهان اجتماعی دنیوی

مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند.

جهان اجتماعی دنیاگرای

نکته

جوامع مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آن‌ها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد.

انواع فرهنگ‌ها

جهان‌های اجتماعی بر اساس فرهنگ خود به دو دسته دنیوی (سکولار) و معنوی تقسیم می‌شوند:

فرهنگ دنیوی یا سکولار:

عقاید و ارزش‌های آن، مربوط به همین جهان است. جهان دیگر یا ۱) انکار می‌شود یا ۲) در محدوده منافع دنیوی پذیرفته می‌شود. همه توانایی‌های انسان در خدمت اهداف دنیوی به کار گرفته می‌شود و بُعد معنوی فراموش می‌شود. فرهنگ جدید غرب از این نوع است.

فرهنگ جدید غرب

- در این فرهنگ آدمیان در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط بر این عالم گام برمی‌دارند.
- دارای اهداف دنیوی هستند و برای رسیدن به این اهداف از علوم تجربی استفاده می‌کنند.

فرهنگ معنوی

جهان هستی را فراتر از طبیعت می‌بیند (به جهان ماوراءالطبیعه معتقد است). انسان از محدوده این جهان فراتر رفته و چهره‌ای آسمانی دارد.

انواع فرهنگ معنوی

فرهنگ توحیدی

تفسیری توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهد.
فرهنگ اسلام و انبیای الهی است.

فرهنگ اساطیری

به خداوندگاران و قدرتهای فوق طبیعی قائل است.
محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است.



۲۰ شو

درس ۴: ارزیابی فرهنگ ها

درس ۴: ارزیابی فرهنگ ها

دقت کوزه گری

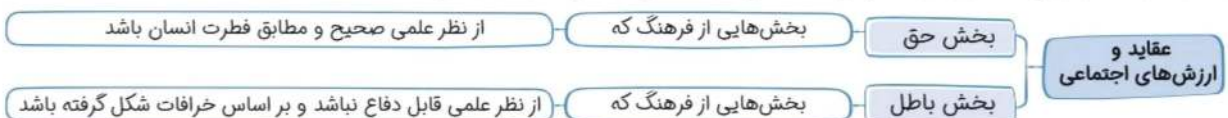
توی درس پیش خوندیم که جهان های اجتماعی رو می تویم بر اساس عقاید آرمان ها، فرصت و محدودیت هایی که دارن، ارزیابی کنیم؛ توی این درس می فهمیم که چطور. این اتفاق ممکن؟ این درس، درس آسونه ولی چهارتا مفهوم داره که همش باهم قاطی می شن، پس حواسه باشه تو ذهنت قشنگ از هم متمایز شون کنی: فرهنگ آرمانی، فرهنگ واقعی، فرهنگ حق و فرهنگ باطل

- آرمان های اجتماعی: توی هر جامعه، افراد آرمان ها و ارزش هایی دارن که دوست دارن اونطوری عمل کنن، ولی همونطور که می دونیم، آدمای همیشه اونطور که می خوان عمل نمی کنن! به همین علت دو تا مفهوم «جهان آرمانی» و «جهان واقعی» به وجود میاد.
- این درس ارزش بارمی ش چقدره؟ نوبت اول ۴ نمره و نوبت دوم، شهریور و دی ۱/۵ نمره هست.

تشکیل شده از	قلمروی واقعی	قلمروی آرمانی (نظام معیار فرهنگ)
ارزش هایی که مردم به آن ها عمل می کنند.	ارزش هایی که مردم یک جامعه از آن جانب داری می کنند و رعایت آن را لازم می دانند اما در عمل آن را نادیده می گیرند.	
این قلمروها ثابت نیستند بلکه مرز و محدوده فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی بر اساس عمل مردم تغییر می کند.		
عمل کردن مردم مطابق آرمان ها و ارزش ها ← آرمان ها وارد فرهنگ واقعی می شوند.		
عمل نکردن مردم مطابق آرمان ها و ارزش ها ← فرهنگ واقعی از فرهنگ آرمانی فاصله می گیرد.		
برنامه ریزان فرهنگی، تلاش می کنند از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقق آرمان ها را فراهم کنند.		
واقعیت های جهان اجتماعی را در پرتوی آرمان ها ارزیابی می کنیم.		
یادآوری: ارزیابی جهان های اجتماعی ← بر اساس (۱) آرمان ها و ارزش ها و (۲) فرصت ها و محدودیت هایی که همراه می آورند، صورت می گیرد.		

ارزیابی آرمان های اجتماعی

عقاید، آرمان ها و ارزش ها، هنجارها و ... هر فرهنگ، گاهی درست (حق) و گاهی نادرست (باطل) هستند:



ولی حق و باطل رو بطوری باید شناخت؟ با چه علمی؟ با چه روشی؟ آیا همونطور که می تویم نیروی بازیه رو کشف کنیم میشه گفت آزادی درست یا غلطه؟

عقل و وحی

عقل و وحی دو ابزار مهم شناخت عقاید و ارزش ها هستند.

علمی که از این دو ابزار بهره می گیرند، می توانند درباره حق یا باطل بودن فرهنگ های مختلف داوری کنند.

علوم تجربی

توان داوری درباره فنون و روش های اجرایی را دارند.

مثلا درست یا نادرست بودن شیوه مداوای بیماران را با روش های تجربی می توان شناخت.

حق یا باطل بودن عقاید و ارزش ها را نمی توان با روش ها و علوم تجربی شناخت.



جمع‌بندی

ارزش‌هایی که مردم مطلوب می‌دونن و دوست دارن بهش عمل کنن ولی گاهی می‌تونن اون‌هارو نادیده بگیرن. جوامع می‌تونن به ارزش‌های مختلفی باور داشته باشن مثل برابری، توحید، بت‌پرستی، نژادپرستی و ... اینا قلمروی آرمانی رو تشکیل میدن.

قلمروی آرمانی

قلمروی واقعی

اون اعمالی که واقعا از اعضای جامعه سر می‌زنه، قلمروی واقعی رو تشکیل میده. مثلاً مهم نیست اگه برابری خواهی در قلمروی آرمانی یک جامعه هست، اگه واقعا توی جامعه تبعیض زیاد باشه، برابری درون قلمروی واقعی نیست بلکه تبعیض و اختلاف طبقاتی در قلمروی واقعی خواهد بود.

• حالا همین ارزش‌ها مثل توفیق و عدالت و آزادی و نژاد پرستی و تبعیض جنسی، می‌تونن درست یا غلط باشن. آله ارزشی مبتنی بر علم و فطرت آدم باشه، (ارزش حق) و اگر بر اساس فراخات باشه (ارزشی باطل): فارغ از اینکه توی قلمروی آرمانی یا واقعی جامعه هست یا نه.

• ثبات قلمروی حق و باطل و تغییر قلمروی واقعی:

مبداً این بخش خیلی ساده‌ست ولی ممکنه کمی افعال و اسم‌ها، تو رو گیج کنه، بنابراین سعی کن توضیحت رو خوب بفهمی: حد و حدود قلمروی آرمانی و واقعی متفاوت است و بر اساس زمان تغییر می‌کند. برای مثال، استقلال سیاسی زمانی در قلمروی آرمانی ایران بوده است ولی امروزه در قلمروی واقعی. همچنین از جامعه‌ای به جامعه دیگر تغییر می‌کند. حق و باطل بودن عقاید، آرمان‌ها و هنجارها و ... ثابت است و با توجه به دیدگاه مردم جهان‌های اجتماعی مختلف تغییر نمی‌کند. برای مثال ارزش توحید حق است، چه افراد به آن باور داشته باشند چه نه و دنیاپرستی، استکبار، شرک و ... باطل است هرچند جوامع این گونه فکر نکنند.

نکته

حق یا باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌ها، بر اساس آگاهی یا جهل و توجه یا بی‌توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آنها تعیین نمی‌شود.

ورود حق و باطل به قلمروی واقعی یا آرمانی

فهمیدیم که حق و باطل، خودشان ثابتند و تغییر نمی‌کنن و به باور و عقیده و نظر آدم‌ها وابسته نیستن؛ اما:

حقایق از جهت وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی، تغییر پذیرند؛ یعنی برای جوامع امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد و برعکس. پس جوامع می‌توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند.

حواستون باشه

حق و باطل بر مدار سلیقه جوامع تغییر نمی‌کنند.



• حالا که به کم با تغییرات قلمروی آرمانی و واقعی و تغییرناپذیری حق و باطل آشنا شدیم، بیاید روابط این قلمروها رو بررسی کنیم:

چطوری عقاید حق، به فرهنگ آرمانی جوامع وارد می‌شه؟	جوامع مختلف با ایمان به عقاید و ارزش حق ← حقیقت را به فرهنگ آرمانی خود وارد می‌کنند.
چطوری عقاید حق، به فرهنگ واقعی جوامع وارد می‌شه؟	جوامع مختلف با عمل کردن به عقاید و ارزش‌های حق ← حقیقت را به فرهنگ واقعی خود وارد می‌نمایند.
چطوری جوامع به سمت عقاید باطل گام بر می‌دارن؟	اگر جوامع مختلف به (۱) حق ایمان نیاورند و (۲) مطابق با آن عمل نکنند ← به سوی باطل گام بر می‌دارند.



• همونطور که گفتیم، حق و باطل ثابتن ولی میتونن توی قلمروی آرمانی یا واقعی قرار بگیرن؛ فب چطوری وارد قلمروی آرمانی یا واقعی می‌شن؟ جوامع با ایمان به عقاید و ارزش‌های حقیقی، آن‌ها را وارد قلمروی آرمانی خود می‌کنند. اگر اعمال خود را بر اساس این عقاید و ارزش‌ها سامان دهند، این ارزش‌ها وارد قلمروی واقعی آن‌ها می‌شوند.



درس ۵: هویت

رفتار کوزه‌گری

اصلی‌ترین نوع سؤالی که از این درس طرح می‌شه، تشخیص نوع ویژگی هویتیته. آیا یک ویژگی فردیه؟ اجتماعی؟ انتسابی یا اکتسابی؟ ثابت یا متغیره؟ سعی کن روی این مبحث تمرکز کنی و همینطور ابعاد هویت رو به‌خوبی بشناسی. درس ۵ آخرین درسی است که نوبت اول با ارزش ۴ نمره، ارزش سؤال می‌ادا! تو نوبت دوم، شهریور و دی چی؟ ۵/۱ نمره!

هویت (من کیستم؟)

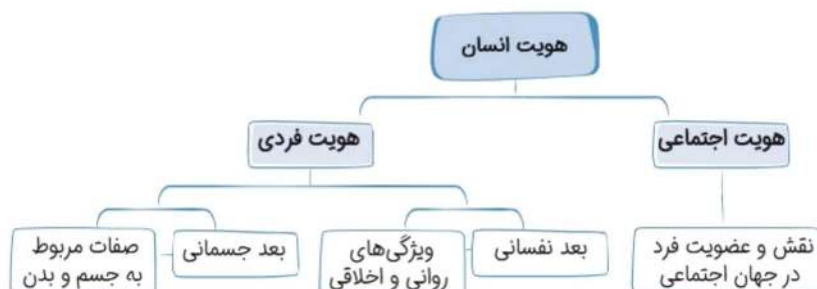
آنچه که در پاسخ به پرسش کیستی گفته می‌شود و با آن، هر شخص از افراد دیگر متمایز می‌گردد، «هویت» فرد را تشکیل می‌دهد. هر کدام از انسان‌ها دارای ویژگی‌هایی هستن که اون‌ها رو از بقیه متمایز می‌کنه. یکی از ما ایرانیه، یکی ژاپنیه؛ یکی آدم زودرنجیه، یکی رو توپ تکونش نمی‌ده. یکی درون‌گراست و یکی هم برون‌گرا. این ویژگی‌ها، ویژگی‌های هویتی ما است. ویژگی‌های هویتی انسان مثل روستایی بودن، جوان بودن، صبور بودن و ... دارای ابعادی هستنند که به سه بخش کلی تقسیم می‌شوند:

ملاک تقسیم‌بندی	بعد هویتی	ویژگی‌ها / توضیحات	مثال
نقش فرد در پیدایش ویژگی	انتسابی	در به وجود آمدن آن‌ها نقشی نداریم.	جنسیت، مکان تولد، رنگ پوست، نژاد
	اکتسابی	خود، آن‌ها را به دست می‌آوریم یا در شکل‌گیری آن‌ها نقش و سهم زیادی داریم.	دانش آموز بودن، صبور بودن، مدیر بودن
ارتباط ویژگی با اعضای دیگر جامعه	فردی	بدون ارتباط با افراد جامعه نیز در فرد وجود دارد.	پشتکار داشتن، عصبانی بودن، صبور بودن (و سایر ویژگی‌های اخلاقی)، زمان تولد
	اجتماعی	با عضویت در یک گروه یا جهان اجتماعی به وجود می‌آید.	دانش آموز بودن، نژاد، مسلمان بودن، کارمند بودن، ملیت
امکان دگرگون شدن ویژگی	ثابت	امکان تغییر ندارد و در سراسر عمر فرد یکسان است.	خانواده، زمان و مکان تولد
	متغیر	در طول زندگی فرد، ممکن است تغییر کند.	بی‌سوادی، کارمند بودن، بی‌حوصلگی

• اکثر ویژگی‌های انتسابی، ثابت هستند ولی برخی از آن‌ها، با این که ما در به دست آوردن آن نقشی نداشته‌ایم، می‌توانیم با تلاش و زحمت خود، تغییر دهیم؛ مانند منزلت خانوادگی.

ارتباط متقابل ابعاد هویت انسانی

ابعاد هویت انسان را می‌توان به سه بعد کلی تقسیم کرد: (۱) جسمانی (۲) نفسانی (۳) اجتماعی





- سه بعد هویتی، از یکدیگر جدا نیستند بلکه با یکدیگر ارتباط دو سویه دارند و از هم تأثیر می‌پذیرند و بر هم تأثیر می‌گذارند. برای مثال:

تعامل جهان طبیعی و نفسانی	
جهان طبیعی ← جهان نفسانی	تغییرات هورمونی بدن می‌تواند باعث استرس، عصبانیت یا ناراحتی شود.
جهان نفسانی ← جهان طبیعی	بسیاری از بیماری‌های جسمانی را می‌توان با کمک قوای روانی درمان کرد.
تعامل جهان طبیعی و اجتماعی	
جهان طبیعی ← جهان اجتماعی	ارزش‌هایی مانند قناعت و بخشندگی در کشورهای کم باران، فراگیرتر است.
جهان اجتماعی ← جهان طبیعی	آلودگی طبیعت و محیط زیست، نتیجه کارهای شتاب‌زده و ناپرخردانه انسان‌ها است.
تعامل جهان اجتماعی و نفسانی	
جهان اجتماعی ← جهان نفسانی	رهبری هیتلر، تمام جامعه آلمان را متحول کرد.
جهان اجتماعی ← جهان نفسانی	هویت جهان سکولار، از شکوفایی اخلاقیات آدمی جلوگیری می‌کند.

تعامل هویت انسان و هویت جهان اجتماعی

- علاوه بر انسان‌ها، جوامع مختلف هم دارای هویت‌های فرهنگی خاص خودشان هستند که روی هویت اعضای اون جامعه تأثیر گذاره؛ این هویت چطوری به وجود میاد و چطوری روی ما تأثیر می‌ذاره؟
- پاسخ:** هویت هر جامعه‌ای، بر اساس عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های آن جامعه شکل می‌گیرد. ← سپس قواعد، هنجارها و نمادهای جامعه (لایه‌های سطحی‌تر جامعه منظومه) متناسب با عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌ها سامان می‌یابند.
- تعامل **هویت جهان اجتماعی و هویت اجتماعی فرد:** همانطور که ابعاد مختلف هویت انسان روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند، هویت جهان اجتماعی نیز با هویت اجتماعی و اخلاقی و روانی فرد، دارای تناسب می‌باشد. هویت اجتماعی هر فرد ← درون یک جامعه و بر اساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد.

نکته

در واقع سبب‌موند اینه که، اینکه هویت آدمای یک جامعه چه ویژگی‌هایی داره بستگی به عقاید و ارزش‌های اون جامعه داره. مثلاً شما به عنوان یک ایرانی، آله بای دیگه‌ای به دنیا می‌اومدید، احتمالاً آرم فیلی متفاوتی با هویتی متفاوت می‌شدید. همونطور که گفتیم هویت اجتماعی هر فرد، بر اساس عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی شکل می‌گیره یعنی پی؟ یعنی وابسته به اینکه توی اون جامعه پی معمه، هویت‌های فردی مختلفی وجود فواهد داشت.



- تعامل هویت جهان اجتماعی و جهان نفسانی:

- تأثیر هویت جهان اجتماعی روی هویت اجتماعی انسان رو دیدیم: ولی روی هویت فردی (نفسانی، اخلاقی و ویژگی‌های روانی) چه تأثیری داره؟
- هر جهان اجتماعی، با توجه به عقاید و ارزش‌هایش:
- ۱ با نوعی خاصی از اخلاقیات سازگار شده و موجب پیدایش و رشد آن‌ها می‌شود.
- ۲ یا با آن اخلاقیات ناسازگار است و آن‌ها را تضعیف می‌کند. برای مثال:

در جهان متجدد	- با ویژگی‌های اخلاقی‌ای سازگار است که در ارتباط با آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی آن شکل می‌گیرند. - مثال: فردگرایی، دم‌غنیمت شماری، انضباط، تجمل گرایی و ...
در جهان اسلام	- با ویژگی‌های اخلاقی که براساس ارزش‌های معنوی و الهی انسان شکل گرفته باشند، سازگار است. - مثال: قناعت، حیا، توکل، تقوا و ...



نکته

همانطور که بیان شد، تعامل بین هویت فرد و هویت جهان اجتماعی دوطرفه است. برای مثال:

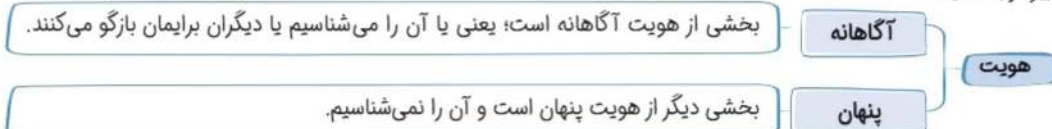
نمی‌تواند هویت اخلاقی معنوی را بپذیرد - **هویت جهان متجدد** - **هویت اخلاقی - معنوی** - نمی‌تواند هویت دنیوی جهان متجدد را بپذیرد

- همانگونه که هویت فرهنگی جهان متجدد با هویت اخلاقی و الهی ناسازگار است، هویت اخلاقی و الهی انسان نیز نمی‌تواند با هویت دنیوی جهان متجدد سازگاری داشته باشد.
- تعامل هویت جهان اجتماعی و جهان طبیعی: هر جهان اجتماعی بر اساس هویت خود، با طبیعت و بدن انسان رفتار می‌کند. نحوه برخورد دو هویت جهان متجدد و اسلامی با طبیعت را مشاهده کنید:

در فرهنگ دنیوی جهان متجدد	• هر دخل و تصرفی در طبیعت، برای بهره‌برداری بیشتر مجاز است.
در فرهنگ معنوی جهان اسلام	• انسان خلیفه خدا و مسئول آبادانی طبیعت است و طبیعت آیه و نشانه خداوند است. • انسان حق تصرفی - بر خلاف اراده الهی - در طبیعت و بدن خود را ندارند.

هویت خودآگاه و ناخودآگاه

به نمودار زیر توجه کنید:



- جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان - درباره ابعاد اجتماعی هویت بحث می‌کنند.
- فیلسوفان هم - درباره هویت بحث‌های گسترده‌ای دارند.
- پیامبران نیز درباره ۱ ابعاد فطری و الهی هویت فردی و اجتماعی و ۲ فراموشی انسان از خویشستن سخن گفته‌اند.

نکته

وجود نظرات متفاوت درباره هویت، نشانه این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

20 بانک سؤالات تشریحی (شبیه‌ساز امتحان نهایی)

چیدمان و انتخاب سؤالات این بخش براساس «سطوح یادگیری شیوننامه بلوم» و «بوشش صددرصدی نکات احتمالی امتحان نهایی» صورت گرفته است.

الف درستی یا نادرستی عبارتهای زیر را مشخص کنید. (هر مورد ۲۵/۰ نمره)

۲۳۹. ما در شکل‌گیری بعضی از ویژگی‌های هویتی مثل صفات اخلاقی و روانی نقشی نداریم.
۲۴۰. ایرانی بودن جزء ویژگی‌های فردی ما محسوب می‌شود.
۲۴۱. در جامعه قبیله‌ای، هویت اجتماعی افراد براساس جایگاه قبیله‌ای آن‌ها مشخص می‌شود.
۲۴۲. هر فردی در طول زندگی خود، تغییرات هویتی بسیاری را پشت سر می‌گذارد؛ ولی خود می‌داند همان شخصی است که همه آن تغییرات را سپری کرده است.
۲۴۳. نقش و عضویت اجتماعی ما، مجرای ارتباط ما با جهان اجتماعی و بخشی از آن به حساب می‌آید.
۲۴۴. درمان سرطان با کمک گرفتن از روحیه قوی پیانگر تأکید بعد نفسانی بر جسمانی هویت است.
۲۴۵. عصبانی شدن انسان بر اثر ترشح بیش از اندازه غده تیروئید، نشانگر ارتباط بین بعد جسمانی و بعد نفسانی هویت است.
۲۴۶. سه بعد هویت انسان از یک‌دیگر جدا هستند.
۲۴۷. هر نوع هویت اجتماعی با هر نوع هویت فردی سازگار است.

ب جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. (هر مورد ۲۵/۰ نمره)

۲۴۸. افراد در پاسخ به پرسش خودشان را معرفی می‌کنند.
۲۴۹. هر جهان اجتماعی براساس خود، با طبیعت و بدن آدمی تعامل می‌کند.
۲۵۰. صبوری یا زودرنجی از جمله ویژگی‌های هویت ما است.



درس ۶: بازتولید هویت اجتماعی

دفوت کوزه‌گری

توی این درس می‌خواهیم ببینیم که هویت اجتماعی اعضای جامعه چطوری به وجود می‌آد؟ جامعه از چه روش‌هایی استفاده می‌کنه تا فرهنگ خودش به نسل بعد منتقل کنه و اجازه کنه که توی این درس روی مفاهیم جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی بذارو سعی کن تمام نکات مربوط به سه روش کنترل اجتماعی (اقتناع، تنبیه و تشویق) رو یاد بگیری. بخش دوم درس، راجع به تغییرات هویتیه که دو تا بخش مهم داره چه نوع تغییرات هویتی‌ای وجود داره؟ هویت جهان اجتماعی چه تأثیری روی تغییرات هویتی می‌ذاره؟ با تکیه بر این مباحث مهم، باید بگم که از درس ۶ تو نوبت دوم، شهریور و دی ۵/۲ نمره سؤال می‌آد! پس حواستون بهش باشه.

جامعه‌پذیری و مسیر شکل‌گیری هویت اجتماعی

یه فرق مهمی که بین انسان و سایر حیوانات هست اینه که حیوانات از وقتی که به دنیا میان، می‌دونن باید چیکار کنن، می‌دونن کارشون چیه و نیاز نیست که پدر و مادرشون، چیز زیادی بهشون یاد بدن. ولی انسان اینطور نیست. انسان برخلاف موجودات دیگر، به صورت غریزی نمی‌داند چه موقعیتی در جامعه دارد و در این موقعیت چه وظایفی بر عهده اوست. پس باید چیکار کنیم؟

پرسش و پاسخ

● **پرسش** اگر انسان با هویت اجتماعی به دنیا نمی‌آید پس، هویت اجتماعی انسان چگونه شکل می‌گیرد؟
پاسخ انسان باید (۱) موقعیت خود را بشناسد، (۲) حقوق و تکالیف خود را یاد بگیرد و با (۳) عمل به آنها، هویت اجتماعی خود را شکل دهد.

● پس انسان‌ها، هویت اجتماعی خودشون رو غریزی نمی‌دونن و باید اون رو از نسل قبل یاد بگیرن؛ به این میگن: بازتولید هویت اجتماعی.

تعریف بازتولید هویت اجتماعی

انتقال هویت اجتماعی از نسلی به نسل دیگر با ثبات و پایدار ماندن ویژگی‌های اساسی آن (هرچند تغییرات سطحی‌ای توی اون به وجود اومده باشه).
 پروسه شکل‌گیری ابتدایی هویت اجتماعی افراد را می‌توان به شکل زیر خلاصه نمود:
 جامعه پس از تولد فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند ← یعنی او را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی‌هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، تعیین می‌کند. ← صدور شناسنامه برای نوزادان (تعیین ویژگی‌های هویتی در شناسنامه) به این پروسه اشاره دارد.
 بعد از اینکه این بخش از هویت اجتماعی انسان‌ها تعیین شد، جامعه شروع می‌کنه به آموزش فرهنگ خودش به اعضا. چرا؟
 جهان اجتماعی ← برای بقا و دوام خود، عقاید و ارزش‌ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد.
 فرد نیز ← برای مشارکت در جهان اجتماعی ← شیوه زندگی، موقعیت، حقوق و تکالیف خود را یاد می‌گیرد.

نکته

انسان وقتی به دنیا می‌آد، نمی‌دونه نقشش تو جامعه چیه، نمی‌دونه باید چیکار کنه و نمی‌دونه حقوق و تکالیفش چیه. واسه همین جامعه همون اول بخشی از هویتش رو تعیین می‌کنه و در ادامه، سعی می‌کنه ارزش‌ها و شیوه زندگی خودش رو به افراد آموزش بده؛ چرا؟ چون آگه اینکارو نکنه، نابود می‌شه! افراد هم این سبک زندگی و فرهنگ رو یاد می‌گیرن چون می‌خوان توی جهان اجتماعی مشارکت کنن.



جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری، به پروسه‌ی فیلی مهمه که توی شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد تأثیر می‌ذاره:

جامعه‌پذیری	مسیر شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد و فرآیندی که هر فرد برای مشارکت در جهان اجتماعی طی می‌کند. (آموزش‌هایی که می‌بینی و همون مسیری که فرد طی می‌کنه تا شیوه زندگی جهان اجتماعی رو یاد بگیره.)
مثال	- آموزش در خانواده، مدرسه، رسانه‌های جمعی، گروه دوستان و ... حواست باشه: فرد با آموزش‌های اساسی در خانواده، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جامعه‌ای که در آن متولد شده است، پیدا می‌کند. پس اولین و مهم‌ترین آموزش‌ها ← خانواده

کنترل اجتماعی و جلوگیری از کژروی‌های اجتماعی

گاهی پروسه‌ی جامعه‌پذیری با موفقیت انجام نمی‌شود و افراد، جذب عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی خود نمی‌شوند و به نقش خود و حقوق و تکالیفشون پایبند نیستند. جهان اجتماعی، فقط به آموزش (جامعه‌پذیری) اکتفا نمی‌کند و شیوه‌های نظارتی (کنترل اجتماعی) نیز دارد. مفاهیم زیر، مربوط به زمانی هستند که افراد، آن‌طور که جامعه می‌خواهد عمل نمی‌کنند و جامعه مجبور به واکنش می‌شود:

کژروی اجتماعی	کنش‌هایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند.
کنترل اجتماعی	مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد (در واقع کارهایی که جهان اجتماعی می‌کنه که افراد بر طبق هنجارها و معیارهای اون رفتار کنن و کژروی نکنن)
روش‌های کنترل اجتماعی	جامعه می‌کوشد تا با استفاده از روش‌های زیر میزان کژروی‌های اجتماعی را کاهش دهد. ۱ تبلیغ و اقناع: از طریق آموزش، افراد را قانع کند که عقاید و ارزش‌های جامعه را بپذیرند. ۲ تشویق و پاداش: به افرادی که مطابق ارزش‌ها و هنجارهای جامعه عمل می‌کنند، پاداش می‌دهد. ۳ تنبيه و مجازات: کسانی را که دچار کژروی اجتماعی شده باشند، مجازات می‌کند.
در فرهنگ اسلامی	امر به معروف و نهی از منکر یکی از روش‌های مهم جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی در جهان اسلام است. (دقت کن! توی هر دو، استفاده می‌شه)

قرارگیری در معرض آسیب‌های بیشتر

پیامدهای نبود روش‌های مناسب کنترل اجتماعی

مشکل در فرآیند بازتولید هویت اجتماعی

تهدید شدن بقا و دوام جهان اجتماعی

• اگر جهان اجتماعی، روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد؛ باز تولیدش با مشکل مواجه می‌شود و دوام و بقای آن تهدید می‌شود.

جمع‌بندی

جهان اجتماعی سعی می‌کنه از طریق پروسه‌ی جامعه‌پذیری هویت اجتماعی افراد رو به وجود بیاره و فرهنگ خودشو انتقال بده. اما بعضی‌ها کژروی می‌کنن و مطابق انتظارات جامعه عمل نمی‌کنن، واسه همین جامعه از پروسه‌ی کنترل اجتماعی استفاده می‌کنه. کنترل اجتماعی سه تا روش داره: «تبلیغ و اقناع»، «تشویق و پاداش»، «تنبيه و مجازات». آگه جامعه‌ای روش‌های فوبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشه، دچار آسیب می‌شه.

تغییرات هویت اجتماعی و تحرک اجتماعی

تا اینجای کار، راجع به این صحبت کردیم که هویت اجتماعی بطوری انتقال پیدا می‌کنه و ثابت می‌مونه. اما گاهی اوقات هویت اجتماعی آزما تغییر می‌کنه. این تغییرات گاهی اون‌ها رو در جایگاه اجتماعی بهتری قرار می‌ده و گاهی اوضاع بدتر می‌شه. جهان‌های اجتماعی مختلف، فرصت‌های متفاوتی رو برای تغییرات هویتی و تحرک اجتماعی جلوی پای آزما قرار می‌دن. پروسه‌ی تشکیل هویت اجتماعی انسان در دو بخش **انفعالی و فعال** صورت می‌گیره:

هویت انتسابی

افراد در بدو تولد، هویت **انتسابی** خود را به صورت **انفعالی** (خود فرد توی اون نقشی نداره) در محیط خانواده می‌پذیرند.



هویت اکتسابی

با گذر زمان، افراد با فعالیت هایشان هویت اکتسابی خود را به دست می آورند و متناسب با هویت اجتماعی جدیدشان از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می شوند. قبل ادامه دادن بحث راجع به تغییرات هویت انسان، باید این دو تا مفهوم را یاد بگیریم:

تعریف موقعیت اجتماعی: موقعیت اجتماعی همان جایگاه فرد در جامعه یا یک گروه اجتماعی است.

تعریف تحرک اجتماعی: جابه جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر را تحرک اجتماعی می گویند.

تحرک اجتماعی انواعی دارد:



فرصت ها و محدودیت های تغییرات هویتی

فرصت های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت های جدید در جوامع مختلف، یکسان نیست. هر جهان اجتماعی، تغییرات هویتی ای که متناسب با عقاید و ارزش های خود باشد را تشویق می کند و تغییرات هویتی ناسازگار را منع می کند. جهان های اجتماعی زیر را بررسی کنید:

جامعه نژادی	مبتنی بر ارزش های نژادی است و فقط یک نژاد خاص امکان تحرک صعودی دارد.
جامعه اقتصادی (سرمایه داری)	مبتنی بر ارزش های اقتصادی است و فقط صاحبان منابع ثروت امکان تحرک صعودی دارند.
جامعه غیردینی (دنیوی)	- تحرک هویتی تنها در محدوده ارزش های دنیوی پذیرفته است. - هویت دینی و معنوی نمی تواند بروز اجتماعی داشته باشد و امکان رأی به قوانین الهی وجود ندارد.
جامعه معنوی (دینی)	مثال: جلوگیری از تحصیل دختران با حجاب در برخی جوامع غربی
	هویت های نفی کننده ابعاد متعالی و الهی انسان به رسمیت شناخته نمی شوند.

نویسنده: امیر شوا

پنج تا از نکته های که فکر می کنی ممکنه از این درس تو امتحان نهایی بیاد رو اینجا بنویس تا به وقتش ببینی پیش بینی ت درسته از آتپ درمید یا نه؟!



درس ۷: تحولات هویتی جامعه

دفاوت کوزه‌گری

توی درس قبل راجع به تحولات هویتی افراد صحبت کردیم. این درس اما، راجع به تحولات هویتی جوامع هست. توی این درس باید یاد بگیرید که علل درونی و بیرونی تحول هویت فرهنگی جامعه چه چیزهایی هستن و نتایج هر کدام به کجا منتهی می‌شه. از درس ۷ تو نوبت دوم، شهریور و دی ۴/۵ نمره می‌آد و بیشترش هم مربوط به کوتاه پاسخ‌ها یا پاسخ‌های تشریحی هست.

ارتباط متقابل هویت فرهنگی جامعه و هویت اجتماعی افراد

هویت فرهنگی جامعه

هویت فرهنگی جامعه، هنگامی پدید می‌آید که اعضای یک جامعه، عقاید و ارزش‌هایی را بپذیرند و به رسمیت بشناسند.

عقاید و ارزش‌های مورد پذیرش اعضای یک جامعه

بر اساس

شکل‌گیری هویت فرهنگی جهان اجتماعی

۱ هویت فرهنگی هر جامعه براساس عقاید و ارزش‌های اجتماعی آن شکل می‌گیرد.

هویت فرهنگی هر جامعه گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است. هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جامعه شکل می‌گیرد.

فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی خانوادگی، شغلی و... متناسب با خود را پدید می‌آورد.

هویت فرهنگی جامعه

در برابر انواع هویت‌های اجتماعی که دارای عقاید و ارزش‌های ناسازگار است، مقاومت می‌کند.

۲ هرگاه عقاید و ارزش‌ها، اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای یک جامعه از دست بدهند، تداوم هویت فرهنگی آن جامعه با چالش‌هایی مواجه می‌شود.

هویت فرهنگی جامعه تا زمانی دوام می‌آورد که ← عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جامعه قرار بگیرد و برای آن‌ها مهم باشد.

به چالش افتادن دوام هویت فرهنگی

از دست رفتن اعتبار ارزش‌ها و عقاید

فرآیند تحول یک جامعه

تغییرات هویت اجتماعی افراد را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

۱ تغییرات هویتی سازگار: زمانی که تغییرات هویتی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های اجتماعی پذیرفته شده در جامعه اتفاق بیفتد و با هویت فرهنگی جامعه سازگار باشد ← مورد تشویق و تأیید جامعه قرار می‌گیرد.

مثال: فردی که با تلاش و پشتکار، موقعیت اجتماعی خود و دیگران را ارتقا می‌بخشد ← از طرف جامعه، تأیید و تشویق می‌شود.

۲ تغییرات هویتی ناسازگار: گاهی تغییرات هویتی افراد مطابق عقاید و ارزش‌های جامعه نیست ← و شیوه‌هایی از زندگی که با عقاید و ارزش‌های جامعه ناسازگار است را به دنبال می‌آورد.

فب فب فب، رسیدیم به یه بحث مهم! وقتی این سبک زندگی ناسازگار ادامه دار میشه، نتایجی به وجود میاره که ممکنه به تحول فرهنگی منجر بشه. یادگیری این فرآیند و مراحل اون مهمه. گرافه یادگیری اسمشون فیلی تأکید کتاب هویت اجتماعی نیست:

۱ شیوه‌های زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش‌ها ← اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به دنبال دارد (تعارض فرهنگی) ۲ اگر این وضعیت (شیوه ناسازگار با عقاید و ارزش‌های جامعه) ادامه پیدا کند ← عقاید و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جامعه را می‌سازند، مورد تردید قرار می‌گیرند و ثبات خود را



در زندگی مردم از دست می‌دهند (تزلزل فرهنگی) ۳ در نتیجه تداوم وضعیت قبلی (تردید و از دست رفتن ثبات عقاید و ارزش‌های بنیادین) ← جامعه دیگر نمی‌تواند از عقاید و ارزش‌هایش دفاع کند و آن‌ها را حفظ نماید. (بحران هویت فرهنگی) ۱ در این صورت (در صورت بحران هویت) ← راه برای تحول هویت فرهنگی جامعه باز می‌شود ← و جامعه به جامعه‌ای دیگر تبدیل می‌گردد. (تحول فرهنگی)

جمع‌بندی

- اول از همه فهمیدیم که هویت فرهنگی یک جامعه، بر اساس عقاید و ارزش‌هایش به‌وجود می‌آید و از هویت اجتماعی افراد جامعه بزرگ‌تره.
- بنابراین فرصت پدید آمدن هویت‌های اجتماعی سازگار رو فراهم و با هویت‌های اجتماعی ناسازگار مقابله می‌کنه.
- البته افراد می‌تونن هویت اجتماعی رو دچار تغییر کنن. این تغییرات یا می‌تونه:
 - ۱) با هویت فرهنگی سازگار باشه (که در این صورت تشویق می‌شه)
 - ۲) ناسازگار با هویت فرهنگی باشه (یعنی تغییر جامعه به جامعه‌ای دیگه).
- پروسه تحول فرهنگی مراحل داره که ویژگی‌های هر مرحله رو می‌بینید. هر کدام از مراحل، تیپه تداوم مرحله قبلی هستن:

تغییرات ناسازگار با عقاید و ارزش‌ها ← پدید آمدن شیوه زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش‌های یک جامعه	تعارض فرهنگی
این وضعیت اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به همراه دارد.	
تردید در عقاید و ارزش‌های بنیادین	تزلزل فرهنگی
از دست رفتن ثبات آن‌ها در زندگی مردم	
عدم توانایی جامعه برای دفاع و حفظ عقاید و ارزش‌ها ← باز شدن راه برای دگرگونی فرهنگی	بحران هویت
تبدیل جامعه به جامعه‌ای دیگر	
تحول فرهنگی مثبت: تغییر فرهنگ باطل به سمت فرهنگ حق مانند جامعه جاهلی به جامعه نبوی	تحول فرهنگی
تحول فرهنگی منفی: تغییر فرهنگ حق به فرهنگ باطل مانند جامعه نبوی به جامعه اموی	

علل درونی و بیرونی تحول فرهنگی

به نمودار زیر توجه کنید:



انواع ارتباط جوامع با یکدیگر (تشریح علل بیرونی)

منظورمون چیه که ارتباط جوامع با هم‌ریگه باعث تحول فرهنگی می‌شه؟! همه جوامع با هم ارتباط دارن پس بطوری هر ده دقیقه تحول فرهنگی رخ نمی‌ده؟! ارتباط جهان‌های اجتماعی با یکدیگر به طور کلی امری پذیرفته شده است ولی این ارتباط، انواع مختلفی دارد:

الف) در محدوده نمادها و هنجارها: در این نوع، جامعه با حفظ عقاید و ارزش‌های خود، به تعامل در محدوده هنجارها و شیوه زندگی می‌پردازد که در صورت لزوم تغییرات لازم را در آن‌ها پدید آورد ← زمینه پیشرفت و گسترش خود را فراهم می‌آورد.

مثال: تعامل جهان اسلام در سده‌های نخستین با جهان‌های اجتماعی دیگر (مانند یونان و روم) از این نوع بود و توانست با حفظ هویت فرهنگی، عناصر سازگار با هویت خود را بگیرد و در صورت نیاز به بازسازی آن‌ها بپردازد.

ب) در محدوده عقاید و ارزش‌ها: اگر جامعه‌ای، بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند و به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند ← دچار تحول فرهنگی می‌شود.



پرسش و پاسخ

● **پرسش** در مواجهه جهان اسلام با یونان و روم، چه عناصری توسط جوامع اسلامی اخذ شدند؟

آنچه اسلام اخذ و ترجمه کرد	آثار فلسفی، پزشکی، ریاضی و نجوم
آنچه اسلام رها کرد	آثار تاریخی، ادبی، افسانه‌ای و اسطوره‌ای

پاسخ در تعامل جهان اسلام با یونان و روم، به دلیل اهمیت عقلانیت و عقل در اسلام، جوامع اسلامی تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد و متناسب با جهان‌شناسی توحیدی در دانش آن‌ها دخل و تصرف کرد و عناصر مشرکانه آن را کنار گذاشت.

نکته

یک جامعه در صورت قبول کردن عقاید و ارزش‌های جامعه دیگر، به آن ملحق می‌شود. **مثال:** پذیرش عقاید و ارزش‌های توحیدی توسط مصر، ایران و ... و پیوستن به جهان اسلام.

- یک ارتباط خاص (تحول فرهنگی بدون پیوستن به جامعه مقابل): گاهی اوقات در تعاملات فرهنگی، یک جامعه با پذیرش بخش‌هایی از یک جامعه دیگر، دچار تحول هویتی می‌شود، ولی به جامعه مقابل نمی‌پیوندد.
- مثال:** رومیایی جوامع غربی با جوامع اسلامی طی جنگ‌های صلیبی (آن‌ها بدون اینکه به جامعه و فرهنگ اسلام پیوندند، تحولات هویتی پیدا کردند و از غرب مسیحی قرون وسطا به غرب سکولار قرون جدید تبدیل شدند و هویت جدیدی پیدا کردند).

خودباختگی فرهنگی و غرب‌زدگی

فهمیدیم که آله در ارتباطمون با سایر جوامع، روی ارزش‌ها و عقایدمون پافشاری کنیم، ممکنه جامعه‌مون از بین بره! پس باید پطوری تعامل و دار و ستر فرهنگی کنیم؟

پرسش و پاسخ

● **پرسش** در یک تعامل فرهنگی درست، اعضای جامعه باید به چه شکلی رفتار کنند؟

پاسخ در تعامل و دادوستد فرهنگی، اعضای جوامع باید به طور فعال و خلاق و با توجه به نیازها و مسائل خود با یک‌دیگر روبه‌رو شوند.

خودباختگی فرهنگی

- اگر اعضای یک جامعه، مبهوت و مقهور جامعه دیگر شوند و در نتیجه حالت فعال و خلاق خود را در انتخاب عناصر فرهنگی از دست دهند ← دچار خودباختگی فرهنگی می‌شوند.
- ویژگی‌های یک جامعه خودباخته:
- عناصر فرهنگی جامعه دیگر را بدون تحقیق و گزینش می‌پذیرد.
- به صورت تقلیدی عمل می‌کند.
- ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد و نه می‌تواند فرهنگ خود را تداوم بخشد و نه می‌تواند آن را رها کند.
- نمی‌تواند به فرهنگی که مبهوت آن شده ملحق شود و «از اینجا رانده و از آنجا مانده» می‌شود.
- یکی از نمونه‌های اصلی خودباختگی فرهنگی، غرب‌زدگی می‌باشد.
- تعریف غرب‌زدگی: غرب‌زدگی همان خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر جهان غرب می‌باشد.

خودباختگی
جوامع غیر غربی

مرعوب قدرت اقتصادی
و سیاسی غرب شدن

بسیاری از جوامع غیر غربی در رومیایی با غرب، مبهوت و مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی غرب شدند و به همین علت دچار خودباختگی گشتند.



از خودبینی‌گرایی فرهنگی

همونطور که بعضی از آدم‌ها ممکنه با فردشون غریبه بشن و دچار خودبینی‌گرایی بشن: این اتفاق ممکنه واسه جوامع هم بیوفته که بهش میگن «از خودبینی‌گرایی فرهنگی»:

درسنامه

انواع از خودبینی‌گرایی

از خودبینی‌گرایی فطری (حقیقی)

اگر عقاید و ارزش‌های یک جامعه، مانع آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، جامعه دچار از خودبینی‌گرایی حقیقی (فطری) شده است.

اگر جامعه (۱) بر اساس فطرت انسان نباشد و (۲) از ارزش‌ها و عقاید حق برخوردار نباشد ← مانع از شناخت صحیح در مورد انسان و جهان می‌شود ← از خودبینی‌گرایی حقیقی

• پیامدهای از خودبینی‌گرایی فطری: در چنین جوامعی، انسان از حقیقت خود و هستی دور می‌ماند.
• تصویری که این فرهنگ‌ها از انسان ارائه می‌دهند، سربانی از حقیقت است؛ پس ← فطرت انسان به آرامش نمی‌رسد و دچار اضطراب و تشویش می‌شود و سر به عصیان می‌گذارد.

از خودبینی‌گرایی تاریخی

اگر یک جامعه، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار از خودبینی‌گرایی تاریخی شده است.

جوامع خودباخته، هویت خود را از یاد می‌برند و به از خودبینی‌گرایی دچار می‌شوند.

نکته

- از دیدگاه قرآنی، انسان هنگامی به شناخت حقیقت خود و جهان می‌رسد که با نگاه توحیدی به خود و جهان بنگرد. یعنی بر اساس این نگاه: تنها فرهنگ توحیدی است که درهای آسمان و زمین را به روی انسان می‌گشاید و او را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌کند.
- ✓ فرهنگ اساطیری و فرهنگ دنیوی آدمی را از حقیقت جهان و حقیقت خود بیگانه می‌کند.
- در واقع از خودبینی‌گرایی تاریخی وقتی به وجود می‌آید که آدمای جامعه، فرهنگ، تاریخ و رسوم خودشونو فراموش کنن و فرهنگ به جامعه دیگه رو قبول کنن؛ مثلاً زبان و پوشاک و عقایدشون تغییر پیدا کنه؛ اما از خودبینی‌گرایی فطری یا حقیقی، مربوط به فرهنگ‌هایی می‌شه که نگاه توحیدی ندارند.
- هر فرهنگی که نگاه توحیدی نداره، مانع شناخت صحیح اعضا از حقیقت جهان و انسان می‌شه و از خودبینی‌گرایی فرهنگی رو به همراه می‌آره.

20 بانک سؤالات تشریحی (شبیه‌ساز امتحان نهایی)

الف

درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر را مشخص کنید. (هر مورد ۲۵/۰ نمره)

۳۶۹. هویت فرهنگی جهان اجتماعی براساس عقاید و هنجارهای اجتماعی آن شکل می‌گیرد.
۳۷۰. هویت اجتماعی افراد پدیده‌ای گسترده‌تر از هویت فرهنگی جهان اجتماعی است.
۳۷۱. ارتباط و دادوستد جهان‌های اجتماعی مختلف با یکدیگر عادی است ولی می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد.
۳۷۲. ارتباط جهان‌های اجتماعی با یکدیگر پذیرفته است و پرش اساسی، نه در چگونگی ارتباط بلکه در اصل آن است.
۳۷۳. ممکن است یک جهان اجتماعی بدون این که به جهان اجتماعی مقابل ملحق شود، دچار تحولات هویتی گردد.
۳۷۴. اگر واقعیت‌ها و آرمان‌های جامعه مطابق حق باشند، آن جهان اجتماعی دارای هویت تاریخی است.
۳۷۵. هر جامعه‌ای هویت خاصی دارد که از آن با عنوان هویت فرهنگی یاد می‌شود.
۳۷۶. جوامع مصر باستان و ایران باستان در ارتباط با جوامع اسلامی دچار تحول نشدند.
۳۷۷. علل درونی تحولات فرهنگی، ناشی از روبه‌رو شدن و ارتباط جوامع با یکدیگر است.
۳۷۸. هویت فرهنگی جامعه، گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است.
۳۷۹. مواجهه فرهنگ جدید غرب با جوامع و فرهنگ اسلامی تجربه جدیدی است که هنوز به پایان نرسیده است.
۳۸۰. تحول جامعه نبوی به جامعه اموی، تحول فرهنگی منفی است.

ب

جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. (هر مورد ۲۵/۰ نمره)

۳۸۱. هویت اجتماعی افراد، محصول آن هاست. زنادرس
۳۸۲. جهان اجتماعی هویتی دارد که از آن به هویت جهان اجتماعی یاد می‌شود.
۳۸۳. هویت اجتماعی افراد در پرتو جهان اجتماعی شکل می‌گیرد.
۳۸۴. جهان اجتماعی‌ای که در مسیر ارزش‌ها و عقاید جهان اجتماعی دیگری را قبول کند، به آن ملحق می‌شود.
۳۸۵. عبارت از این‌جا مانده و از آن‌جا رانده به جامعه اشاره دارد.
۳۸۶. ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از آن، به دست آورد.
۳۸۷. قرآن کریم را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند.

چندمان و انتخاب سؤالات این بخش براساس «سطوح یادگیری شیوه‌نامه بلوم» و «بوشش صددرصدی نکات احتمالی امتحان نهایی» صورت گرفته است.

(خرداد ۱۴۰۰)

(دی ۱۴۰۰)

(دی ۱۴۰۰)

(خرداد ۹۹)

(خرداد ۹۹)

(خرداد ۹۸)



درس ۸: بعد فرهنگی هویت ایران

د فـوت کوزه‌گری

همونطور که انسان‌ها، ویژگی‌های هویتی مثل خوش اخلاق، ق‌د بلند، دانا یا ... دارن؛ جوامع هم ویژگی‌هایی مثل اقتصاد، سرزمین، فرهنگ و سیاست خودشونو معرفی می‌کنن. ویژگی‌های هویتی ایران باستان و ایران اسلامی توی این درس اهمیت زیادی داره، ولی یکی از اصلی‌ترین و تس‌ خیزترین نکته‌های درس، دیدگاه مستشرقان و تقابل متفکران ایرانی با اون‌هاست. همینطور تأثیرات انقلاب اسلامی روی جامعه ایران، اسلام و غرب هم خیلی مهم، اما ساده‌ست. درس ۸ هم مثل بقیه درسی که در نوبت دوم هستن، ۴/۵ نمره ارزش بارمی داره؛ حالا چه خرداد، چه شه‌ریور و دی!

هویت ایرانی در گذر زمان

سرزمین ایران، با قدمت بیش از هفت هزار سال، خانه اقوام گوناگون و متنوعی بوده است. هویت فرهنگی جامعه ایران را می‌توان به دو بخش قبل و بعد ورود اسلام، تقسیم کرد:



نکته

حکیمان و شاعرانی همچون مولوی و سعدی و ... و همچنین معارف و هنرهای تولید شده توسط ایرانیان نیز موجب گسترش زبان فارسی شد.

مواجهه جهان اسلام با سایر جهان‌های اجتماعی

در نخستین رویارویی‌های جهان غرب با اسلام:

در طول تاریخ، مسلمانان با اقوام مختلفی مواجهه نظامی و سیاسی داشتند که به صورت‌های متفاوتی انجام شده است:





پرسش و پاسخ

- **پرسش:** رویارویی ابتدایی جوامع اسلامی و غربی به چه صورتی بود و چه نتایجی داشت؟
- **پاسخ:** در نخستین رویارویی‌ها، قدرت سیاسی و نظامی جوامع غربی ← جوامع اسلامی را به خودباختگی فرهنگی دچار ساخت. خودباختگی فرهنگی جوامع اسلامی نیز سبب شد که ← تصویری که مستشرقان از هویت جوامع اسلام القا می‌کردند، در بین جوامع اسلامی رواج پیدا کند.



درسنامه

- گفتیم که به خاطر غرب‌زدگی، تصویر مستشرقان در ایران و جوامع اسلامی رواج یافت؛ ولی تصویر مستشرقان چه شکلی بوده؟
- شرق‌شناسان و تاریخ‌نگاران غربی، جوامع اسلامی رو چطوری می‌دیدن؟
- در دیدگاه مستشرقان، هویت فرهنگی جهان اسلام:
 - توحیدی یا حتی اساطیری نیست؛ بلکه سکولار و دنیوی است.
 - به ابعاد تاریخی و جغرافیایی محدود می‌شود.
 - امت اسلامی را در قالب عناوین قوم‌گرایانه (ناسیونالیستی) به اقوام مختلفی همچون ترک، عرب و فارس تقسیم می‌کنند.

واکنش جهان اسلام به هویت‌های کاذب مستشرقان

- از دههٔ سی به بعد، متفکران ایرانی به نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و نقد هویت‌های کاذب ساخته شده از این طریق پرداختند.
- **مثال:** آثاری همچون (۱) غرب‌زدگی، (۲) بازگشت به خویش (۳) خدمات متقابل اسلام و ایران (۴) فطرت

پیامدهای هویتی انقلاب اسلامی ایران

- انقلاب اسلامی ایران، پیامدهای زیادی داشته و یکی از مهم‌ترین اون‌ها، تحولات هویتی بوده. می‌خوایم بررسی کنیم که انقلاب اسلامی، چه تغییراتی بر هویت ایرانی داشته و چه تاثیری بر جهان اسلام و اندیشمندان غربی گذاشته؟
- انقلاب اسلامی ایران حاصل یک سده مقاومت هویت اسلامی ایران در برابر هجوم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی غرب بود. تأثیر انقلاب اسلامی را در سه جهت می‌توان بررسی کرد:

● بازگشت ایران به اسلام، آن‌طور که اندیشه‌های غربی آن را تفسیر می‌کردند، بازگشت به اسلام، صرفاً تاریخی و جغرافیایی نبود و یک بازگشت به خویشستن الهی و توحیدی بود.	تأثیر انقلاب اسلامی بر هویت ایرانی
● جامعه ایران با ① رهبری امام خمینی ② استفاده از آموزه‌های قرآن و اهل بیت ← به هویت اسلامی بازگشت ← تاریخ و جغرافیای خود در ذیل توحید قرار داد ← توانست مرزهای جامعه ایمانی خود را در برابر جهانی که در مقابل او صف کشیده بود، هشت سال دفاع کند.	
● جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود به قلب تپندهٔ بیداری اسلامی تبدیل شد.	
نکته: هویت اسلامی، هویتی مستقل، فعال و اثرگذار است.	تأثیر انقلاب اسلامی بر جهان اسلام
● جهان اسلام با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران ← به جست و جوی هویت خود، بیرون از تصاویری که جهان غرب القا می‌کرد، می‌پردازد.	
● و به این ترتیب، اسلام به عنوان یک قطب فرهنگی جدید ظاهر می‌گردد.	
● یک نکته: حجاب و پوشش، نماد هویت جهان اسلام می‌باشد.	
● حیات معنوی اسلام، افق‌های جدیدی را به روی اندیشمندان جهان غرب نیز گسترده است.	تأثیر انقلاب اسلامی بر اندیشمندان غربی
● نظریه پردازان غربی را که طی قرن بیستم، سکولاریسم و دنیوی شدن را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می‌دانستند، به تأمل و بازبینی نظریات پیشین خود فراخوانده است.	

نوستراداموس شو!

بِیچ تا از نکته‌هایی که فکر می‌کنی ممکنه از این درس تو امتحان نهایی بیاد رو اینجا بنویس تا به وقتش ببینی پیش‌بینی درست از آت‌ب درمید یا نه؟!



درس ۹: بعد سیاسی هویت ایران

د فـوت کوزهـ گری

درس قبلی، هویت فرهنگی ایران رو بررسی کردیم و توی این درس، هویت سیاسی رو بحث می‌پردازیم. این درس، خیلی مهمه چون به سری مفاهیم نزدیک داره که ممکنه قاطعی بشن. سعی کنید مفاهیم قدرت اجتماعی، مشروعیت، مقبولیت، تبعیت رو با هم دیگه اشتباه نگیرید و معیارها و ویژگی های تقسیم بندی نظام های سیاسی رو بلد باشید. راستی این درس تو نوبت دوم، شهریور و دی ماه ۴/۵ نمره هم داره.

قدرت اجتماعی

موجودی که بتواند کار خود را با (۱) آگاهی و (۲) اراده انجام دهد دارای قدرت است؛ انسان به همین دلیل کنشگری قدرتمند است، ولی قدرت فردی انسان محدود است و برای رفع نیازهای خود، به کمک دیگران نیاز دارد.

پرسش و پاسخ

• پرسش قدرت اجتماعی چه هنگامی پدیدار می‌شود؟

پاسخ هنگامی که انسان برای رسیدن به اهداف خود، بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی آنان را به خدمت بگیرد. کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند.

قدرت اجتماعی بیشتر

توان تأثیرگذاری بیشتر بر اراده دیگران

نکته

علاوه بر افراد، نهادها، سازمان‌ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.

تبعیت، مقبولیت و اقتدار

تنها راه تأثیرگذاری بر فعالیت ارادی دیگران، جلب تبعیت آنهاست؛ یعنی قدرت اجتماعی بدون پذیرش و توافق دیگران به وجود نمی‌آید (یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آن‌چه از آن‌ها خواسته می‌شود، عمل کنند). جلب تبعیت یک فرد، به دو طریق ممکن است:

تبعیت با کراهت	در این صورت، تبعیت ناشی از ترس و تهدید است و دارای مقبولیت نیست. مثال: حکومت استالین، نمونه‌ای از جلب تبعیت با کراهت و ترس و تهدید بود.
تبعیت با رضایت (مقبولیت)	تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است. (شخص در این صورت، مطابق میل درونی خود عمل می‌کند).

تعریف اقتدار

اگر قدرتی (۱) دارای مقبولیت باشد، یعنی (۲) بدون تهدید و با رضایت ایجاد شده باشد و (۳) به صورت رسمی پذیرفته شده باشد، دارای اقتدار می‌باشد.



مقبولیت و مشروعیت



قدرت سخت و قدرت نرم (بخوانیم و بدانیم)



پرسش و پاسخ

- **پرسش** نهادهای آموزشی یک کشور چگونه می‌توانند به ابزار اعمال قدرت نرم تبدیل شوند؟
پاسخ نظام آموزشی کشورها از ابزارهای اعمال قدرت نرم هستند. یک کشور می‌تواند از طریق نفوذ در نظام آموزشی کشور دیگر فرهنگ و جهان‌بینی نسل‌های آینده‌ساز آن کشور را مطابق منافع و اغراض خود تغییر دهد.
- همونطور که می‌بینید، قدرت نرم از طریق نفوذ فرهنگی و ابزارهای آموزشی و خبری (رسانه)، سلطه ایجاد می‌کنه؛ اما یک مفهوم دیگه‌ای که خیلی نزدیک به اینه، مفهوم هژمونیه:

تعریف هژمونی	هنگامی که سلطه به شیوه فرهنگی اعمال شود، بیشتر مورد رضایت و پذیرش قرار می‌گیرد. به این نوع سلطه، «هژمونی» می‌گویند.
ابزارهای هژمونی	از ابزارهای فرهنگی مانند (۱) هنر و (۲) رسانه برای مهندسی رضایت عمومی و توجیه برتری جویی خود استفاده می‌کند.
نمونه	اسلام‌هراسی ← رسانه‌های آمریکایی، اسلام‌هراسی را به عنوان شیوه‌ای برای بسط هژمونی آمریکا به کار می‌برند.



تفاوت استفاده از قدرت در گذشته و امروزه

قدرت در گذشته:

- قدرت سخت یک کشور موجب سلطه سیاسی و اقتصادی بر سایر کشورها می‌شد.
- نبرد بین دولت‌ها در قلمرو سرزمینی و با ابزار نظامی صورت می‌گرفت و رسانه‌ها خبر آن را منتشر می‌کردند.

قدرت، امروزه:

- قدرت نرم سبب سلطه فرهنگی می‌شود.
- نبرد در حوزه فرهنگ و با ابزار رسانه صورت می‌گیرد و اگر درگیری نظامی اتفاق افتد، در ادامه جنگ فرهنگی رخ می‌دهد.
- کنشگران فردی به وسیله شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات گسترده‌ای در فضای مجازی دارند → در نتیجه، گاهی حتی از دولت‌ها تأثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارند. (سلبریتی‌ها، ستاره‌های هنری، ورزشی و...)

ارتباط متقابل نظام سیاسی و نظام فرهنگی

نظام فرهنگی و نظام سیاسی، از هم جدا نیستن. این دو نظام روی هم تأثیرات متقابلی دارن، چه تأثیراتی؟ می‌گیم: ولی اول بذارید بفهمیم فرق نظام سیاسی با سیاست چیه:

- تعریف سیاست:** سیاست به معنای اعمال قدرت سازمان‌یافته برای دستیابی به هدفی معین است.
- سیاست در معنای عام:** به معنای هر نوع تدبیر و سازمان دادن قدرت است.
- جهان اجتماعی نمی‌تواند بدون سیاستی مناسب، به آرمان‌ها و ارزش‌های خود دست یابد.
- تعریف نظام سیاسی:** نظام سیاسی به معنای مجموعه سازوکارهایی است که برای اعمال سیاست‌های جهان اجتماعی وجود دارد.
- نظام سیاسی مستقل از نظام‌های اقتصادی، فرهنگی و ... نیست و در تعامل با آن‌ها قرار دارد.

• فب بالا به تعامل دو نظام سیاسی و فرهنگی می‌پردازیم و می‌بینیم که بطور روی هم تأثیر می‌ذارن:

تأثیر نظام فرهنگی بر نظام سیاسی	نظام فرهنگی، عقاید و ارزش‌های حاکم بر نظام سیاسی را تعیین می‌کند. اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزش‌های فرهنگی باشد → نظام فرهنگی، مقبولیت دارد. اگر نظام سیاسی - به دلایل داخلی و یا عوامل خارجی - از اصول فرهنگی خود دور شود → نظام فرهنگی مقبولیت نظام سیاسی را کاهش می‌دهد.
تأثیر نظام سیاسی بر نظام فرهنگی	اگر نظام سیاسی به ارزش‌های فرهنگی پایبند بماند → با استفاده از مدیریت سیاسی، به بسط و توسعه فرهنگ کمک می‌کند. اگر از ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگی دور شود → زمینه تعارضات، تزلزل و بحران‌های فرهنگی را به وجود می‌آورد.

انواع نظام‌های سیاسی

حالا که با مفهوم نظام سیاسی آشنا شدیم، می‌تونیم بررسی کنیم که چند نوع نظام سیاسی داریم. این مبحث رو از دید ارسطو و فارابی بررسی می‌کنیم تا ببینیم چه ملاک‌هایی برای تقسیم‌بندی نظام سیاسی پیشنهاد شده:

از دیدگاه ارسطو: ارسطو برای تقسیم‌بندی نظام‌های سیاسی از دو معیار استفاده می‌کند:

- تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده → تقسیم به سه دسته (۱- حاکمیت یک فرد، ۲- حاکمیت اقلیت، ۳- حاکمیت اکثریت)
 - روش تصمیم‌گیری → تقسیم به دو دسته (۱- حاکمیت بر اساس اهداف، میل و خواسته حاکم، ۲- حاکمیت بر اساس فضیلت و موازین عقلی)
- با توجه به این ملاک‌ها، شش نوع نظام سیاسی خواهیم داشت:

روش حکومت		
تعداد حاکمان	بر اساس فضیلت	بر اساس خواست و میل افراد
فرد	۱. موناشری	۴. تیرانی (استبدادی)
اقلیت	۲. آریستوکراسی	۵. آلیگارشی
اکثریت	۳. پولیتی (جمهوری)	۶. دموکراسی

• می‌بینیم که در سه نوع از این نظام‌های سیاسی، حاکم یا حاکمان بر اساس خواسته‌ها و تمایلاتشان بر جامعه حکومت می‌کنند و در سه نوع دیگر، حاکم یا حاکمان بر حقیقت و فضیلت حکومت می‌کنند.



پرسش و پاسخ

پرسش تفاوت جمهوری و دموکراسی در دیدگاه ارسطو چیست؟

پاسخ ارسطو، حاکمیت اکثریت بر مدار خواسته آن‌ها را دموکراسی می‌داند و حکومتی که اکثریت بر اساس حقیقت و فضیلت فعالیت می‌کنند، جمهوری می‌خواند.

از دیدگاه فارابی: فارابی علاوه بر معیارهای ارسطو، معیار سومی نیز اضافه می‌کند: دین‌داری و دنیامداری (نظام سیاسی دینی (بر مدار احکام الهی) و نظام سیاسی سکولار و دنیوی)

تفاوت مدینه فاضله و جاهله در دیدگاه فارابی

مدینه فاضله	مدینه جاهله
جامعه‌ای الهی است که بر اساس سنت و قانون الهی شکل می‌گیرد.	جوامعی هستند که ارزش‌ها و آرمان‌های آن‌ها عقلانی و الهی نباشد.

تفاوت لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی

برای اینکه مفاهیم مربوط به این بخش، با هم دیگر اشتباه نشوند، ابتدا آن‌ها را بررسی می‌کنیم:



ارزش‌های اجتماعی در اسلام

ارزش‌های اجتماعی در اسلام، گرچه ناظر به مسائل اجتماعی دنیوی هستند ولی تفسیری سکولار نداشته و سیرتی الهی و دینی دارند و عمل به آن‌ها، وظیفه‌ای الهی است. در اندیشه اسلامی، عبادات با بعد اجتماعی وسیع‌تر، ارزش بیشتری می‌یابد. امت اسلامی باید با رد طاغوت و قدرت‌های غیر الهی، در شکل‌گیری ولایت الهی بر اساس موازین اسلامی هوشمند و فعال باشد.

نوستر ادموس شو

پنج تا از نکته‌هایی که فکر می‌کنی ممکنه از این درس تو امتحان نهایی بیاد رو اینجا بنویس تا به وقتش ببینی پیش‌بینی درست از آتب درمیا یا نه؟!



درس ۱۰: ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایران

دفوت کوزه‌گری

درس آخر، راجع به ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی ایران صحبت می‌کنه. توی بخش هویت جمعیتی، سوال‌ها بیشتر از اهمیت جمعیت، چگونگی بسط فرهنگ از طریق افزایش جمعیت، سیاست‌های جمعیتی و مشکلات جمعیتی غرب و ایران میاد. توی بخش هویت اقتصادی هم سعی کن کاملاً ویژگی‌های هویت اقتصاد نفتی و سابقه هجوم تاریخی سرمایه‌داری به سایر اقتصادها رو بلد باشی. یه کلیتی هم از اقتصاد مقاومتی رو یاد بگیر. از این درس تو نوبت دوم، شهریور و دی ماه، ۵/۲ نمره می‌ادا! همونطور که گفتم، هویت اقتصادی بحث معییه! البته سوال خیز هم هست! پس با دقت بیشتری بخونش.

هویت جمعیتی جامعه

قبل از اینکه هویت جمعیتی ایران رو بررسی کنیم باید اهمیت جمعیت رو بیان کنیم و یه سری تعاریف رو هم یادآوری کنیم:

جمعیت آن جامعه است.

اولین شرط
بقای هر جامعه

• **تعریف فرهنگ:** فرهنگ، مجموعه آگاهی و معانی مشترکی است که جامعه بر اساس آن شکل می‌گیرد.

• **یادآوری:** هویت هر جامعه بر مبنای فرهنگ آن (عقاید و ارزش‌های کلان) شکل می‌گیرد.

فب پس از اونجایی که جامعه بر اساس فرهنگ شکل می‌گیره، گسترش یک جامعه هم از طریق گسترش فرهنگ اون صورت می‌گیره. اما راه گسترش فرهنگ و در نتیجه گسترش جامعه، چیه؟

پرسش و پاسخ

• **پرسش:** راه گسترش فرهنگ‌ها چیست؟

• **پاسخ:** راه گسترش هر فرهنگ، ۱) شناختن (اندیشیدن)، ۲) پذیرفتن و ۳) عمل کردن به آن است.

• از آنجایی که سه عمل ۱. شناختن، ۲. پذیرفتن و ۳. عمل کردن به فرهنگ، صرفاً از عهده اعضای جامعه بر می‌آید ← هرچه حاملان و عاملان یک فرهنگ بیشتر باشند، آن فرهنگ گسترش بیشتری می‌یابد. (منظور از حاملان و عاملان فرهنگ، همون اعضای جامعه است.)



• حالا با توجه به نکات بالا، نکته مهم بعدی رو نتیجه می‌گیریم:

نتیجه

تأمین جمعیت مناسب، مسئله‌ای هویتی برای جهان اجتماعی می‌باشد.



اهمیت جمعیت در اسلام

تبیین اهمیت مسئله «جمعیت» در یک جهان اجتماعی اسلامی			
گسترش فرهنگ اسلامی و توحیدی			هدف اسلام
داشتن جمعیت مناسب			لازمه تحقق این هدف
شرط اول	فرهنگ حق باشد نه باطل، افراد و اعضای آن، حاملان و عاملان فرهنگ حق باشند.	بدین ترتیب هم کمیت جمعیت (تعداد لازم و کافی) و هم کیفیت جمعیت (حامل و عامل فرهنگ) در بسط و تداوم هویت فرهنگی یک جامعه مؤثرند.	
شرط دوم		شروط افزایش جمعیت	

مشکل کاهش جمعیت در جهان غرب

گرچه فرزندآوری و افزایش جمعیت امر هویتی و بسیار مهمیه ولی گاهی وقت‌ها، جامعه با کاهش جمعیت مواجه می‌شه؛ چرا؟
 فرزندآوری ← نیاز فطری انسان‌ها و تأمین جمعیت ← از کارکردهای مهم خانواده است. ولی ممکن است گاهی، اختلال در خانواده ← جامعه را با کاهش جمعیت مواجه کند. این مسئله را امروزه، در جهان غربی می‌بینیم:

کاهش جمعیت در جوامع غربی	
دلایل	بالارفتن سن ازدواج، افزایش بی‌ثباتی، طلاق، رفاه‌زدگی، مصرف‌گرایی و هزینه پنداشتن فرزندان
عوارض	پیری و سالمندی جمعیت
فرو افتادن در چاله جمعیتی	گسترش فردگرایی و اصالت لذت
	کاهش محبت و ایثارگری
	فرزندآوری کمتر
	کاهش جمعیت و فروافتادن جامعه در چاله‌های جمعیتی

سیاست‌های جمعیتی

حالا وقتی یه جامعه دچار کاهش یا افزایش شدید جمعیت می‌شه، بطوری باید اونو تحت کنترل قرار داد؟ و نقشه با سیاست‌های جمعیتی آشنا بشید.
 در صورت کاهش یا افزایش جمعیت ← نظام سیاسی با همراهی و همکاری مردم، تدابیر و راه‌حلهایی را به اجرا در می‌آورد که «سیاست‌های جمعیتی» نامیده می‌شود.

حواستون باشه

سیاست‌های جمعیتی می‌تواند در جهت افزایش یا کاهش جمعیت باشد.

سیاست‌های جمعیتی در ایران

سیاست‌های کاهش جمعیت: در دو برهه در ایران اجرا شده است: (۱) پیش از انقلاب از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ (پروزی انقلاب اسلامی)، کاهش رشد جمعیت از (۳/۱ به ۲/۷) - بار دیگر از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰، کاهش رشد جمعیت از (۳/۹ به ۳/۳)
 سیاست افزایش جمعیت: کاهش بیش از حد جمعیت در سال‌های اخیر ← باعث تجدید نظر در سیاست‌های جمعیتی شد ← تصویب اصول کلی سیاست‌های افزایش جمعیت (سال ۱۳۹۳)

پرسش و پاسخ

- **پرسش** در اصول کلی سیاست‌های جمعیتی در سال ۱۳۹۳، بر چه چیزهایی توجه و تأکید شده بود؟
- **پاسخ** به ضرورت‌هایی از جمله:
- افزایش جمعیت و جوانی جمعیت
- حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد
- ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی ایرانی - اسلامی
- فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمندان و بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های ایشان
- برنامه‌ریزی برای توزیع متعادل جمعیت در نقاط مختلف کشور توجه شده است.



هویت اقتصادی جهان اجتماعی

هر جامعه‌ای، دارای هویت اقتصادی برای مثال: اقتصادهای دانش بنیان، سوسیالیستی، سرمایه‌داری، تک محصولی و ... اما هویت اقتصادی ایران چه ویژگی‌هایی دارد؟

هویت اقتصادی ایران

اقتصاد ایران، دارای دستاوردها و معضلات مختلفی می‌باشد:

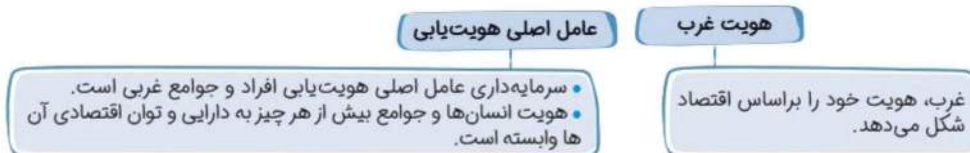


- یک اقتصاد وابسته به نفت، درآمد زیاد و بدون زحمتی را ایجاد می‌کند؛ ولی:
 - باعث شکل‌گیری تولید ملی ضعیف، شکننده که مستقیم یا غیر مستقیم وابسته به نفت می‌شود.
 - دولت بزرگی به وجود می‌آید که می‌کوشد به کمک درآمدهای نفتی و نه رواج کسب و کار، رفاه اقتصادی را تأمین کند.
 - در کوتاه مدت موجب ایجاد رفاه بیشتر با نوسانات زیاد می‌شود؛ ولی پایدار نیست.
 - وضعیت شکننده‌ای ایجاد می‌کند که مورد استفاده طمع‌ورزان بین‌المللی قرار می‌گیرد. تحریم‌های اقتصادی نفتی و مالی دقیقاً با همین رویکرد بر علیه ما اعمال شدند.

اهداف تحریم‌ها	
اولاً	محدود کردن درآمد نفتی کشور
دوماً	ممانعت از انتقال درآمد نفتی به کشور

هویت اقتصادی غرب

حالا که راجع به هویت اقتصادی ایران و مزایا و معایب اقتصاد نفتی گفتیم، نوبه به سری هم به اقتصاد غرب بزنیم:



غرب هیچ مانعی را بر سر راه اقتصاد خود بر نمی‌تابد و شیوه‌های اقتصادی ناسازگار با اقتصاد سرمایه‌داری را در سراسر جهان نابود می‌کند. از این رو جوامع غربی، پاشنه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می‌دانند؛ از این رو جنگ اقتصادی تمام عیاری را علیه کشور ما به راه انداخته‌اند.

پرسش و پاسخ

- پرسش چرا جهان غرب، پاشنه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می‌داند؟
- پاسخ از این رو که کشورهای سلطه‌گر غرب: اولاً اقتصاد را اساس همه چیز می‌پندارند. / دوماً شیوه‌های اقتصادی غیر سرمایه‌داری را نابود شده می‌بینند.



اقتصاد مقاومتی در ایران

فالا که چنین جنگ تمام عیاری علیه ما به راه افتاده، بایر پیکار کرد؟ راه نجات چیه؟

ایران اسلامی، آرمان بازسازی هویت اقتصادی خود را با اجرای قانون اساسی و سیاست های اقتصاد مقاومتی تعقیب می کند.

آرمان بازسازی هویت اقتصادی

۱ اجرای قانون اساسی

۲ سیاست های اقتصادی مقاومتی

قانون اساسی رو می دونیم، ولی اقتصاد مقاومتی چیه دیگه؟

تعریف: اقتصاد مقاومتی، الگویی از اقتصاد پیشرفته، مستقل و مستحکم است که (۱) با باور به تعالیم حیات بخش اسلام و (۲) اتکا به ظرفیت های مولد مردمی و دولتی، (۳) روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، امید، همبستگی، و (۴) با حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران، امنیت، رفاه و پیشرفت توأم با عدالت و برای جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی - اسلامی از رشد و شکوفایی را به ارمغان می آورد.

نکته

- کشف نفت توی ایران، باعث شده که هویت اقتصادی ایران، یک اقتصاد وابسته به نفت بشه و این وضعیت اقتصادی شکننده ست که نتیجه اون رفاه با نوسان بالاست.
- در این وضعیت، کشورهای غربی، پاشنه آشیل (نقطه ضعف) ایران رو اقتصاد میدونن و با تحریم های نفتی و مالی، جنگ تمام عیاری رو بر علیه اقتصاد ایران به راه انداختن.
- غرب هویت خودشو بر اساس اقتصاد می سازه و افراد خودشو با سرمایه داری و میزان سرمایه شون هویت یابی می کنه و هر شیوه ای جز سرمایه داری رو نابود شده می دونه.
- اما ایران در برابر این هجوم، دست به اجرای قانون سیاسی و سیاست های اقتصاد مقاومتی زده. اقتصاد مقاومتی یک الگوی پیشرفته و مستحکم اقتصادی که با تکیه بر باورهای اسلامی و ظرفیت های مردمی، به دنبال امنیت و رفاه و پیشرفت برای مردم ایران.

20 بانک سؤالات تشریحی (شبیه ساز امتحان نهایی)

الف درستی یا نادرستی عبارات های زیر را مشخص کنید. (هر مورد ۲/۵ نمره)

چیدمان و انتخاب سؤالات این بخش براساس سطوح یادگیری شومنامه علوم و پوشش صددرصدی نکات احتمالی امتحان نهایی صورت گرفته است.

(خرداد خارج ۱۴۰۱)

(خرداد ۱۴۰۰)

(شهریور ۱۴۰۰)

(دی خارج ۹۹)

(خرداد خارج ۹۹)

(خرداد خارج ۹۸)

(خرداد خارج ۹۸)

۶۱۵. فرزندآوری نیاز فطری انسان ها و تأمین جمعیت از کارکردهای مهم خانواده است.
۶۱۶. اصول کلی سیاست های جمعیت که در سال ۱۳۹۳ تصویب شد، مبتنی بر سیاست های کاهش جمعیت بود.
۶۱۷. اقتصاد امروز ما نتیجه رویدادهای گذشته و عملکرد کنونی ماست.
۶۱۸. اقتصاد نفتی می تواند در کوتاه مدت احساس رفاه زیادی را آن هم با نوسانات کم برای مردم به ارمغان آورد؛ اما پایدار نیست.
۶۱۹. جهان غرب، مانعی را بر سر راه اقتصاد خود بر نمی تابد و شیوه های اقتصادی ناسازگار با اقتصاد سرمایه داری را در سراسر جهان نابود می کند.
۶۲۰. اولین شرط بقای هر جامعه اقتصاد قوی و پیشرفته آن است.
۶۲۱. شناخت فرهنگ پذیرش و عمل به آن صرفاً از عهده افراد و اعضای جامعه برمی آید. از کارکردهای مهم خانواده، تأمین جمعیت است.
۶۲۲. سرمایه داری عامل اصلی هویت یابی افراد و جوامع غربی است.
۶۲۳. غرب هویت خود را براساس اقتصاد شکل می دهد.
۶۲۴. رفاهی که از درآمدهای نفتی به وجود می آید، پایدار است.
۶۲۵. هر چه حاملان و عاملان یک فرهنگ بیشتر باشند، آن فرهنگ بیشتر گسترش پیدا می کند.
۶۲۶. افزایش جمعیت یک جامعه، زمینه ساز گسترش فرهنگ آن است.

ب جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. (هر مورد ۲/۵ نمره)

۶۲۷. هویت هر جامعه براساس آن شکل می گیرد.
۶۲۸. هر چه و یک فرهنگ و معانی آن بیشتر باشند، آن فرهنگ بیشتر گسترش می یابد.
۶۲۹. یک جامعه زمینه ساز گسترش فرهنگ آن است.
۶۳۰. تأمین جمعیت مناسب برای یک جامعه، مسئله ای است
۶۳۱. لازمه تحقق هدف اسلام، مناسب است.
۶۳۲. هم جمعیت و هم جمعیت در بسط و تداوم هویت فرهنگی یک جامعه مؤثرند.



دوپینگ فوری

خلاصه نسبتاً جامع و کامل کتاب،
واسه شب امتحان





دوپینگ فوری درس اول

- کنش (انسان‌ها) ویژگی‌هایی دارد که آن را از فعالیت موجودات دیگر متمایز می‌کند.



- انسان‌ها غالباً کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آن انجام می‌دهند.

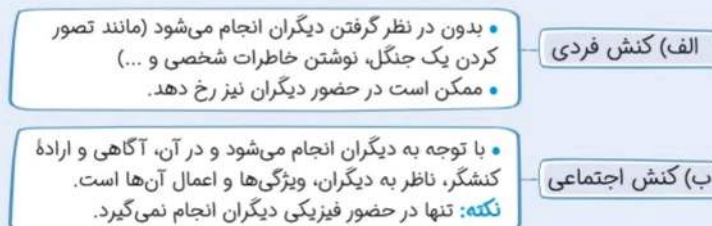
- انسان‌ها از انجام برخی کنش‌ها به دلیل پیامدهای نامطلوبشان خودداری می‌کنند.



دوپینگ فوری درس دوم

- کنش انسان از این جهت که در انجام آن به انسان دیگری توجه شده است یا نه، به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود.

- انواع کنش‌های انسانی عبارت‌اند از:





- **تعریف پدیده اجتماعی:** به کنش اجتماعی و پیامدهای آن، پدیده اجتماعی می‌گویند. پدیده‌های اجتماعی به‌مرور از انسان‌ها مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را به وجود می‌آورند.



- بعد از تحقق ارزش‌ها چه اتفاقی می‌افتد؟ ۱ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق می‌یابند. ۲ سپس پدیده‌های «جامعه‌پذیری» و «کنترل اجتماعی» را ضروری می‌سازند. ۳ تا از طریق **تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه** - ارزش‌ها و هنجارها را به افراد منتقل کنند.



- ازدواج و تشکیل خانواده یک پدیده اجتماعی است که پیامدهای مهمی بر جامعه و جمعیت دارد؛ زیرا با بروز نقص و کاهش افراد گروه‌ها - زندگی و دوام آن‌ها با تهدید روبه‌رو شده و با افزایش افراد، تأثیرگذاری آن‌ها بر سایر جوامع بیشتر می‌شود.

دوپینگ فوری درس سوم





• فرهنگ، دارای لایه‌های مختلف و دارای خرده‌فرهنگ‌های متعددی می‌باشد:



• جهان اجتماعی پس از پدید آمدن، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای ما ایجاد می‌کند (البته ما در برابر جهان از پیش ساخته‌شده، کنشگری منفعل و مجبور نیستیم) و تا زمانی که فرهنگی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، الزامات آن نیز باقی است:





دوپینگ فوری درس چهارم



چرخش جوامع
بر مدار
حق و باطل

- جوامع امکان انحراف از حق و پذیرش باطل را دارند. (می‌توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند)
- ایمان به ارزش‌های حق -- ورود آن‌ها به قلمروی آرمانی -- عمل بر اساس آن ها -- ورود حقایق به قلمروی واقعی

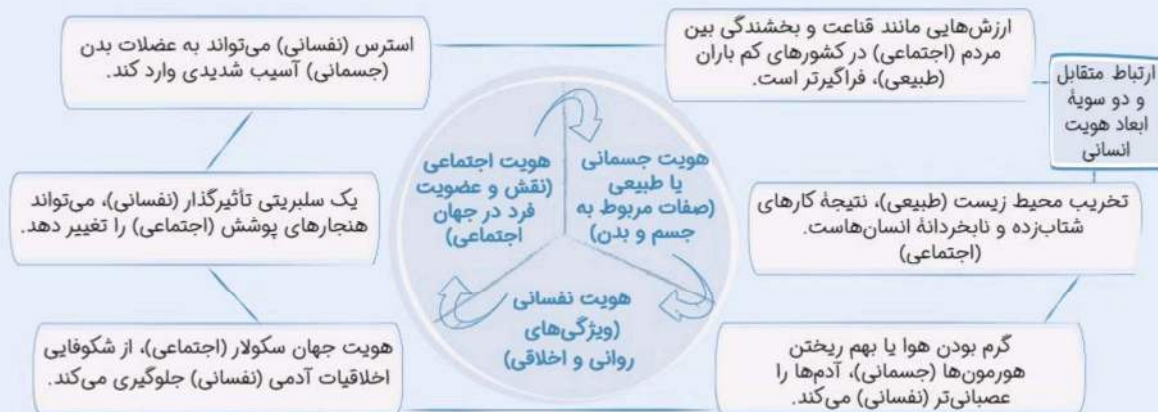
• حق و باطل بر مدار گزینش جوامع تغییر نمی‌کنند

حرکت جوامع
به سوی باطل

- اگر جوامع مختلف (۱) به حق ایمان نیاورند و (۲) مطابق با آن عمل نکنند -- به سوی باطل گام بر می‌دارند.
- نکته طلایی: جوامع می‌توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند.

دوبینگ فوری درس پنجم

انواع ویژگی‌های
هویت (کیستی)
انسانبخش‌های
هویت

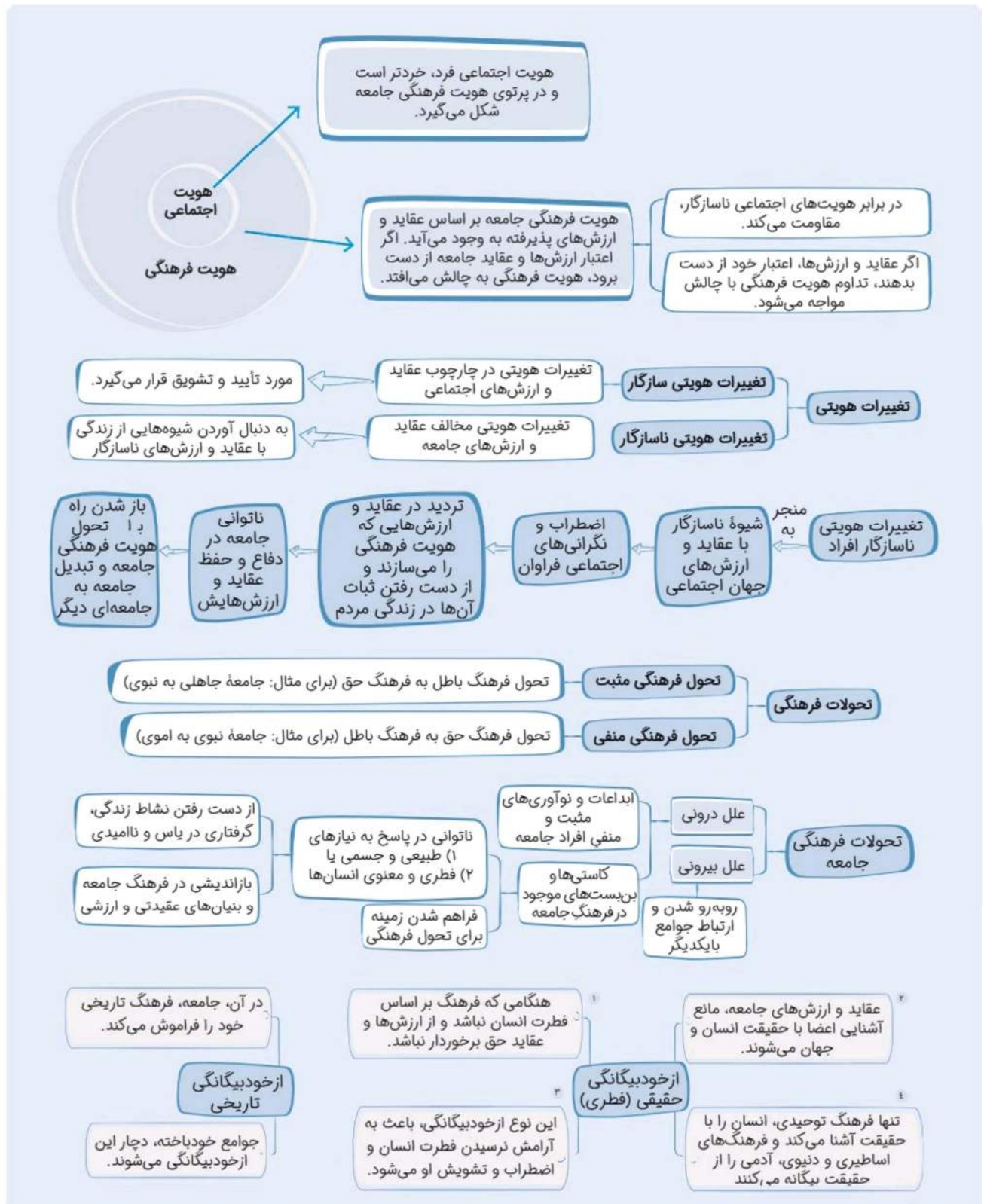


دوپینگ فوری درس ششم





دوپینگ فوری درس هفتم





دوپینگ فوری درس هشتم



• در دیدگاه مستشرقان هویت فرهنگی جهان اسلام چگونه است؟

۱ توحیدی یا حتی اساطیری نیست بلکه سکولار و دنیوی است.

۲ به ابعاد تاریخی و جغرافیایی محدود می‌شود.

۳ امت اسلامی را در قالب عناوین قوم گرایانه ناسیونالیستی به اقوام مختلفی چون ترک عرب و فارس تقسیم می‌کند.

• واکنش متفکران ایرانی در دهه ۳۰ به بعد در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و هویت‌های کاذبی دروغی که از این طرق ساخته می‌شد. چه بود؟

۱ نوشتن آثاری با عنوان‌های غرب‌زدگی و بازگشت به خویش

۲ نوشتن کتاب‌هایی درباره خدمات متقابل اسلام و ایران

۳ نوشتن کتاب‌هایی درباره فطرت و خویش‌الهی انسان





دوپینگ فوری درس نهم





نظام‌های سیاسی براساس دیدگاه‌های ارسطو و فارابی:

- ارسطو از دو ملاک برای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی استفاده می‌کند و از شش نوع نظام سیاسی نام می‌برد.
- ۱ در سه نوع از این نظام‌های سیاسی یک فرد یک اقلیت یا اکثریت بر اساس خواسته‌ها و تمایلاتشان بر جامعه حکومت می‌کنند.
- ۲ در سه نوع دیگر حکومت یک فرد اقلیت یا اکثریت بر حقیقت و فضیلت استوار است.





دوپینگ فوری درس دهم



